

اقتصاد آینده

مجموعه‌ای از آثار بهائی

مؤلف

بدیع شمس

حقّ طبع با
محفل روحانی ملی بهائیان هندوستان است

نشر اوّل: ۱۹۸۹

نشر ثانی: ۱۹۹۱

نشر ثالث (با تجدید نظر): ۱۹۹۸

شماره ثبت

ISBN 81-85091-32-3

دیباچه

مقصود از جمع‌آوری آثار مبارکه برای این مجموعه که از سال ۱۹۷۹ شروع شد، استفاده از آنها در مطالعه تحقیقی نگارنده در مورد "تعالیم بهائی در خصوص علم اقتصاد" بود. تعالیم مبارکه در مورد این موضوع مهم در آثار امریه بسیار پراکنده است. سعی شده حتمی‌المقدور این مطالب طبقه‌بندی شود، اما این امر نیز کاری بسیار دشوار بود، چه که هدایات عرضه شده در آنها بسیار کلی و عمومی است و قرار دادن آنها تحت یک عنوان، در بسیاری از موارد به نظر موجه نمی‌آید.

مسئله اقتصاد در این ایام بسیار حاد می‌باشد، و هرگز به اندازه امروز احتیاج به حل مسائل اقتصادی احساس نمی‌شد.

احدی از ممالک عالم، به هر مکتب اقتصادی که متعلق و وابسته و در زمره کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه باشد، نمی‌تواند این حقیقت را انکار نماید که هدف اصلی اش حل مسائل اقتصادی خود می‌باشد.

هرگز چنین احتیاج مبرم به داشتن درکی عمیق‌تر و بیشتر از تعالیم امر بهائی در مورد این موضوع وجود نداشت، چه که عامه ناس به نحوی دائم‌التزاید مشتاق یافتن راه‌حل‌هایی هستند که در آثار بهائی موجود و مکنون است.

امید این است که بعد از ملاحظه این آثار بدیعه در خصوص این موضوع، بتوانید وضعیت فعلی اقتصاد عالم را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و آنچه را که امر بهائی عرضه می‌نماید مورد تقدیر قرار دهید.

آنچه در این مجموعه ملاحظه می‌کنید

دیباچه

۱- کاربرد تعالیم اقتصادی در مسائل امروز

۲- زراعت و زارع

۳- اتّحادیّه جهانی بهائی

۴- نظام اقتصادی بهائی

۵- مواسات، اعظم از مساوات

۶- سرمایه‌دار و سرمایه‌داری

۷- انفاق و وقف

۸- تنازع

۹- اقتصاد الهی

۱۰- مراتب و استعدادهای متفاوت انسان

۱۱- مدنیت الهیه

۱۲- انقطاع

۱۳- منابع اقتصادی

۱۴- تجدید اصلاحات اقتصادی

- ۱۸- حقوق‌الله
- ۱۹- بردگی اقتصادی
- ۲۰- ارث
- ۲۱- انصاف
- ۲۲- انسان، فقط عامل تولید نیست
- ۲۳- اعتدال
- ۲۴- حرّف و صنایع
کار و حرفه
فنون، هنرها و صنایع
- ۲۵- مستمری
- ۲۶- فقرا و محتاجان
- ۲۷- نقش حکومت در امور اقتصادی
- ۲۸- وکلای صنف عمله و فعله
- ۲۹- نرخ بهره
- ۳۰- بازنشستگی
- ۳۱- مسئله اعتصاب
- ۳۲- مسئله اشتراکیون
- ۳۳- علم و فن
- ۳۴- مخزن عمومی و مالیات

صندوق ملّی

امنای حقوق

احتکار

مالیات

۳۵- تعرفه‌ها و سایر موانع اقتصادی

۳۶- اتّحادیه‌های تجاری

۳۷- زکات

۳۸- بیکاری

۳۹- استفاده از مهارت فنی

۴۰- ثروت و غنا

توزیع ثروت

تحدید ثروت

۴۱- واحد پولی بین‌المللی

۴۲- کارگر و صنعت

رنجبران و کارگران کارخانه

سود و سهام کارخانه

۴۳- دستمزدها

۴۴- اتلاف منابع در جنگ

۴۵- رفاه و آسایش

کاربرد تعالیم اقتصادی در مسائل امروز

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: "ابتدا ما باید تعالیم اقتصادی را در پرتو مسائل امروز به نحو اکمل مورد مطالعه قرار دهیم تا بتوانیم از آنچه که مؤسّسین امر الهی بیان کرده‌اند، نه از آنچه که به حدس و گمان از آثار آنها استنباط می‌کنیم، دفاع نمائیم. بین بررسی و بیان یک اصل عمومی عظیم با یافتن نحوه استفاده از آن در شرایط واقعی موجود تفاوت عظیم وجود دارد." (ترجمه) (هدایات حضرت ولی امرالله، ص ۲۰)

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: "هر قانونی و هر مکتب سیاسی و اقتصادی فقط برای آن خلق شده که حافظ منافع بشری من حیث المجموع باشد و برای آن نیست که بشر برای حفظ آنها فدا شود." (نظم جهانی حضرت بهاءالله، ص ۴۲)^(۱)

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: "تعالیم حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء به تفصیل و تصریح برای جمیع مسائل اقتصادی که اکثراً به محدوده اقتصاد فنی مربوط می‌شود و بالتّبع ارتباط مستقیم با امرالله ندارد، راه حلی عرضه نمی‌کنند. البّته اصول هدایت‌کننده معینی در آثار مقدّسه امر بهائی در مواضع اقتصادی

بیت‌العدل اعظم، با مشورت با متخصصین رشته اقتصاد، در تدوین، تنظیم و تکامل نظام اقتصادی آتی بهائی باید مساعدت فرماید. معهدا یک نکته مسلم است و آن این که امرالله نه به طور کامل نظریه‌های اقتصاد سرمایه‌داری را می‌پذیرد و نه می‌تواند در ردّ و انکار اصل مالکیت شخصی و حقوق مقدّس حیاتی فردی با مارکسیست‌ها و کمونیست‌ها توافق داشته باشد." (ترجمه) (نقل از مکتوب محرّره از قبل حضرت ولی امرالله مورّخ ۱۰ جون ۱۹۳۰ به یکی از آحاد احباء - نقل از انوار هدایت)

حضرت ولی امرالله در توفیق منیع مورّخ ۲۰ دسامبر ۱۹۳۱ خطاب به محفل مقدّس روحانی ملّی بهائیان ایالات متّحده و کانادا می‌فرمایند: "آثار مبارکه به طور عمده به این موضوع نپرداخته است و به بسیاری از مواضع که در حال حاضر موجب حیرت اذهان اهل عالم گشته، حتّی اشاره نشده است. آنچه که در وهله اولی باید مطمح نظر قرار گیرد روحی است که باید در حیات اقتصادی ما نفوذ و رسوخ نماید و این امر تدریجاً در اصول و مؤسّسات معین متبلور خواهد شد. این مؤسّسات به ایجاد شرایط مطلوبی که حضرت بهاءالله بشارت داده‌اند کمک خواهد کرد." (ترجمه) (نقل از اخبار امری شماره ۹۰، مارچ ۱۰۳۵، صفحه ۲)

زراعت و زارع

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "ما باید از دهقان شروع کنیم و برای آن نظم و نظام اساسی تأسیس کنیم، زیرا صنف دهقان و صنف زارع بر سایر اصناف از لحاظ اهمّیت خدمات اضعاف مضاعف است" (ترجمه) (نجم باختر، جلد ۱۳، ص ۲۲۸)^(۱)

حضرت عبدالبهاء در لوح مبارک مورّخ ۴ اکتبر ۱۹۱۲ خطاب به امة‌الله مسس پارسنز مقیم دُبلین می‌فرمایند: "این مسئله اقتصادی جز بموجب این تعالیم حلّ تام نیابد بلکه ممتنع و محال و آن اینست که این مسئله اقتصاد را باید از دهقان ابتدا نمود تا منتهی باصناف دیگر گردد زیرا عدد دهقان بر جمیع اصناف اضعاف مضاعف است لهذا سزاوار چنان است که از دهقان ابتدا شود و دهقان اوّل عامل است در هیئت اجتماعیّه. باری در هر قریه‌ئی باید که از عقلاء آن قریه انجمنی تشکیل شود که قریه در زیر اداره آن انجمن باشد."^(۲)

حضرت بهاء‌الله در لوح مبارک دنیا می‌فرمایند: "توجه کامل است در امر زراعت. این فقره اگرچه در پنجم ذکر شد ولیکن فی‌الحقیقه دارای مقام اوّل است"^(۳)

صنعتی و عمدهٔ فلاحتی هستند، متفاوت است و ما باید قوانینی متفاوت با اقالیم غربیه را در آنجا مورد استفاده قرار دهیم و به این علت است که اصول نهضت الهی متوجه اساسی است که برای هر دو مشترک باشد. اصولی را که نظام اقتصادی بهائی مبتنی بر آن خواهد بود، حضرت عبدالبهاء در موارد مختلفه در خطابات مبارکه، که شما در مجموعه‌های مختلف خواهید یافت، تبیین و تشریح فرموده‌اند. از جمله اموری که توسط این نظام اجرا خواهد شد کنترل تدریجی ثروت خواهد بود که اینک در دست معدودی از نفوس است و مورث افراط در ثروت و غنا می‌باشد." (ترجمه) (استخراج از آثار بهائی در مورد زراعت و مباحث مرتبط، جمع‌آوری و تدوین بیت‌العدل اعظم)

حضرت ولی امرالله در توقیعی که در ۲۱ اکتبر ۱۹۳۲ از جانب حضرتشان خطاب به یکی از احباء عزّ صدور یافته است، می‌فرمایند: "و اما در مورد سؤال رابع شما، حضرت ولی امرالله معتقدند که احسن و اولی آن که روش‌های تبیین شده توسط حضرت مولی‌الوری با نظام‌های فعلی اشتباه نشود. آنها ممکن است دارای موارد تشابه بسیاری باشند، ولی تفاوت‌های کثیری نیز دارند. مضافاً، این بیانات کلیه که در تعالیم مبارکه آمده است، قبل از آن که بتوانیم به اهمیت آنها واقف شویم، باید توسط بیت‌العدل اعظم توضیح داده شده مورد استفاده قرار گیرند" (ترجمه) (نقل از انوار هدایت)

اتحادیه جهانی بهائی^(۱)

حضرت ولی امرالله در یکی از پیام‌های خود به آمریکا می‌فرمایند: "یک اتحادیه جهانی منسجم و اساساً متحد..."(ترجمه) (نقل از پیام‌هایی خطاب به آمریکا، ص ۸۱)

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: "مرحله‌ای که در میقات معین، در استقرار اتحادیه جهانی بهائی که با کفایت مطلق قوا فعالیت خواهد کرد، به کمال خود نائل خواهد شد." (ترجمه) (عالم بهائی، جلد ۱۳، صفحه ۱۳۸)

حضرت ولی امرالله در توجیه منیع ظهور عدل الهی (ص ۱۲) می‌فرمایند: "... دیگر اتخاذ وسائل و تمهیدات لازمه و اشتراک مساعی در سبیل حفظ و صیانت امرالله در قبال حملات و تعرضات حتمیه‌ای که بتدریج از جانب دوائر و احزاب مختلفه مذهبی مجتمعاً و متشکلاً نسبت بامر مبین و شرع حضرت رب العالمین بعمل خواهد آمد و کل بجمیع قوی بمقاومت خواهند برخاست، دیگر مسائل متنوعه و محظورات و مشکلات عظیمه و مسئولیت‌های کثیره متزایده که جامعه اسم اعظم با آن مواجه بوده و بایستی بر یک یک از آنها تفوق حاصل گردد و بکمال متانت و اتقان مقابلی شود تا امر ستمدیده الهی بتواند مراحل مقدّره محتومه را متتابعاً مترادفاً طی نماید،

برای رسمیت آئین الهی است تصدیق و اعلام شود و این رسمیت بمرور ایام بتأسیس سلطنت الهیه و احراز حقوق و اختیارات تامه مخصوصه مبدل گردد و بالمآل باستقرار سلطنت جهانی بهائی که مؤید بتأییدات لاریبه یزدانی و مروج تعالیم مقدسه ربانی و مجری احکام و اوامر منصوصه منزه از سماء مشیت سبحانی است انتها پذیرد^(۱)

حضرت ولی امرالله در توفیق مبارک قد ظَهَرَ یَوْمَ اَلْمِیْعَادِ (ص ۱۲۲) می فرمایند: بنیان نظم بدیع جهانیش که اکنون در رحم مؤسّسات اداری که خود آن حضرت پدید آورده در جنبش و حرکت است و نمونه و هسته مرکزی آن هیأت جمعیت جهانی خواهد شد که سرانجام قطعی و حتمی امم و ملل ارض است^(۲)

حضرت ولی امرالله در گاد پاسز بای (ص ۲۶) می فرمایند: "... و چون این صرح مشید که ذروه اعلاّی ظهور جامعه جهانی بهائی و مبشر استقرار ملکوت الهی در عالم انسانی است بیان گردد و عصر ذهبی این دور اقدس در آخر ایام رخ گشاید آثار و اثمار بهیه این سدره رحمانیه آشکار و آیات و برکاتش بر جهان و جهانیان واضح و لائح خواهد گردید."^(۳)

حضرت ولی امرالله در توفیق منبع مورّخ ۲۱ مارچ (نوروز) ۱۹۳۰ می فرمایند: آنها (اقوام

خواهند شد.^(۱)

حضرت ولی امرالله در توفیق "نظم جهان آرای الهی" می فرماید: "چون دین بهائی در جمهور خلافت شرق و غرب نفوذ نماید و حقانیتش بقبول اکثریت مردم بعضی از کشورهای مستقل جهان در آید آنوقت بیت العدل اعظم بذروه قدرت و سلطنت خود خواهد رسید و بعنوان اعلیٰ مقام ممالک متّحدهٔ بهائی جمیع حقوق و وظائف و مسئولیت‌های متعلّق به یک حکومت علیای جهانی را به عهده خواهد گرفت."^(۲)

حضرت ولی امرالله در گاد پاسز بای می فرماید: "مرکز اداری جامعهٔ جهانی بهائی (حیفا واقع در اسرائیل) ... مرکزی که در مستقبل ایام در جوار مرکز روحانی این امر مقدّس به انجام وظائف خطیره مألوف خواهد گردید و هرگز از آن مرکز نورا و بقعهٔ علیا انفکاک نخواهد پذیرفت"^(۳)

حضرت ولی امرالله در توفیق "تولّد مدنیت جهانی" می فرماید: در این دورهٔ سایه روشن، امروز ما در زمانی زندگی می‌کنیم که جامعهٔ متّحدهٔ جهانی موعود حضرت بهاءالله تازه برشد جنینی خویش پرداخته است. ملاحظه فرمایید در این زمان چه وظیفهٔ سنگینی بر دوش ما نهاده‌اند که نه قدر و منزلتش را کما هو حقّه ادراک توانیم کرد و نه قادریم از سختی و ثقلش باخبر باشیم."^(۴)

رسوخ نماید و هنوز مصائب دردناک بیشتری لازم است تا کشورهای متخاصم و اصول و عقائد متناقض و طبقات و نژادهای مختلف را در کوره بلیات عمومی ذوب نماید و در قالب مصیبات شدید ریزد و از آنها جامعه متحد المرامی بوجود آورد که با نظامی متحد و هماهنگ کار کند. بلیاتی که تصوّرش را نتوان کرد، بحرانهائی که به خوابش نتوان دید، انقلابات، جنگ، قحط و غلا و آفات همه شاید دست بدست هم دهند تا در دل و جان بشر غافل حقایق و اصولی را حکّ نمایند که همواره از شناسائی و پیرویش سر می پیچیده است.^(۱)

حضرت ولی امرالله می فرماید: "شکل نهائی بیان نامه و اساسنامه محفل روحانی ملی ایالات متّحده شرح و تفصیلی با ارزش و معتبر بر اساس ذاتی و قانون اساسی جوامع بهائی در جمیع اقالیم است که مبشر ظهور نهائی جامعه متحد المرام آتی بهائی می باشد" (ترجمه) (نقل از نظم اداری بهائی، ص ۱۳۵)

حضرت ولی امرالله می فرماید: "این مرحله غائی جامعه متحد جهانی که عالی ترین حدّ کمال نقشه‌ای است که ذات الهی بنفسه برای عالم بشری مقدر فرموده است، بنوبه خود ثابت خواهد کرد که آیتی از ولادت مدنیت جهانی است که از لحاظ ابعاد، خصوصیات و قوای مکنونه در تاریخ بشری بی‌مثیل و عدیل است" (ترجمه) (نقل از عالم بهائی ج ۱۱، ص ۱۳۸)

نظام اقتصادی بهائی

حضرت ولی امرالله می‌فرماید (اصول نظم اداری بهائی، ص ۲۸-۲۷): "در امر بهائی بطور کلی راجع به مسائل اقتصادی تعالیمی که جنبه فنی داشته باشد از قبیل امور مربوط به بانک و قیمت‌ها و غیره وجود ندارد. امر بهائی اساساً دستگاه اقتصادی نیست و مؤسّسین آن را نیز نمیتوان متفنّن در علم اقتصاد دانست. آنچه امر بهائی درباره اقتصادیات بعالم افاضه کرده اصولاً بطور غیرمستقیم بوده و منظور از آن اجرای اصول روحانی در تشکیلات اقتصادی کنونی دنیا می‌باشد. حضرت بهاءالله تعالیم اساسی چندی بما اعطا فرموده که در مستقبل ایام راهنمای اقتصادیان بهائی قرار خواهد گرفت تا طبق آن تعالیم مؤسّساتی از برای تعدیل روابط اقتصادی عالم تأسیس نمایند."^(۱)

حضرت ولی امرالله می‌فرماید: "در ارتباط با تمایل شما به تجدید سازمان امور تجارته خود طبق موازین امری، حضرت ولی امرالله عمیقاً روحی را که اتخاذ چنین طریق پیشنهادی را به ذهن شما متبادر ساخته است مورد تقدیر قرار می‌دهند. معهدا، ایشان معتقدند که هنوز زمان آن فرا نرسیده است که نفسی از یاران چنین تحوّلی اساسی را در ساختار اقتصادی جامعه، هر قدر که میدان چنین تجربه‌ای

حضرت ولی امرالله در توفیق مورخ ۱۰ جون ۱۹۳۹ که از طرف حضرتشان خطاب به یکی از احباء مرقوم شده است، می فرمایند: "بیت العدل اعظم با مشورت نفوس متخصص و متفنین در امر اقتصاد، به تدوین و تکامل نظام اقتصادی آتی بهائی مساعدت خواهد کرد." (ترجمه) (نقل از انوار هدایت)

حضرت ولی امرالله می فرمایند: "... آثار امریه در این مورد چندان پربار نیست و بسیاری از مواضعی که در حال حاضر افکار اهل عالم را مغشوش و متحیر نموده حتی ذکر نگردیده است. آنچه که در وهله اولی باید مطمح نظر واقع شود، روحی است که باید بر حیات اقتصادی ما تأثیر گذارد و آن تدریجاً در مؤسّسات و اصولی که به ایجاد شرایط مساعد پیش بینی شده توسط حضرت بهاءالله کمک خواهد کرد، متبلور خواهد شد." (ترجمه) (نقل از هدایات حضرت ولی امرالله، ص ۱۹)

حضرت ولی امرالله می فرمایند: "خیر، حضرت بهاءالله یک مجموعه اقتصادی را به عالم عنایت فرمودند. سهم شدن در سود به عنوان راه حلی برای یکی از انواع مسائل و مشکلات اقتصادی توصیه شده است." (ترجمه) (نقل از هدایات حضرت ولی امرالله، ص ۱۹)

و نیز می فرمایند: "در رابطه با فعالیت های لجنه ملی امور اقتصادی، حضرت ولی

مواسات، اعظم از مساوات

حضرت عبدالبهاء در لوح مبارک خطاب به اندروکارنگی می‌فرمایند: "از تعالیم بهاء‌الله
مواسات است و این اعظم از مساوات است. مساوات امری است مجبوری ولکن
مواسات امری است اختیاری. کمال انسان به عمل خیر اختیاری است (نه عمل خیر
مجبوری و مواسات عمل خیری است که به نحو اختیاری انجام شود. مقصود اینست که) اغنیاء
مواسات به فقراء کنند و انفاق بر فقراء نمایند ولی به میل و اختیار خویش نه آن که
فقراء اغنیاء را اجبار نمایند. (زیرا اجبار مورث انزجار است و نظم امور بشری را مختل نماید.
زیرا مواسات که احسان اختیاری است، مورث صلح و آرامش در عالم انسانی گردد و جهان بشری
را منور سازد)"^{(۱)(۲)}

(نقل از مجله نظم جهانی مورخ ژانویه ۱۹۴۹)

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "و از جمله تعالیم بهاء‌الله مواسات بین بشر است و
این مواسات اعظم از مساوات است و آن این است که انسان خود را بر دیگری
ترجیح ندهد بلکه جان و مال فدای دیگران کند اما نه بعنف و جبر که این قانون گردد
و شخص مجبور بر آن شود."^(۳)

سرمایه‌دار و سرمایه‌داری

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "جائز نیست که بعضی در نهایت غنا باشند و بعضی در نهایت فقر. مثلاً شخصی غنی که منتهی غنا را دارد شخصی دیگر منتهی فقر را داشته باشد، مراعات او را بکند تا آنهم راحت باشد."^(۱)

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "اهل ثروت باید در اکتساب منافع اعتدال را ملاحظه نمایند و مراعات فقرا و اهل احتیاج را منظور دارند و آن این است که عمله و فعّله را اجرتی یومی معلوم و مقرر گردد و از منافع عمومیّه فبریق نیز نصیب و بهره یابند."^(۲)

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: "... در تعالیم مبارکه هیچ بیانی حاکی از مخالفت به هر نوعی از سرمایه‌داری وجود ندارد. معهداً، شکل فعلی آن مستلزم اصلاحاتی است." (ترجمه) (نقل از هدایات حضرت ولی امرالله، ص ۱۹)

انفاق و وقف

حضرت ولی امرالله در توفیق مورخ ۲۶ جون ۱۹۳۶ خطاب به یکی از آحاد احباء می فرمایند: "این تعالیم بهائی در مورد محبت و شفقت انسانی مدلل بر آن است که ما همواری باید در حدّ قوه خود به نفوس مضطرّ و محتاج مساعدت کنیم و مدد رسانیم. احسان و انفاق بهائی، جوهر تعالیم الهی است و لهذا در جمیع جوامع بهائی باید ترویج و توسعه یابد. مؤسّسات خیریه مانند دار الایتامها، مدارس رایگان و بیمارستانهای مخصوص فقراء جزء لایتجزای مشرق الاذکار است. حصول اطمینان از رفاه و راحتی اعضاء فقیر و محتاج جامعه به هر طریق ممکن، از جمله وظائف و مسئولیت‌های هر جامعه محلی بهائی است.

لکن، بدیهی است این مساعدت و امداد به هر شکل و صورتی که باشد، تحت هیچ شرایطی نباید اجازه داده شود که منافع عمده عمومی و جمعی جامعه بهائی را، در مقایسه با منافع صرفاً خصوصی اعضاء آن، دچار اختلال سازد. ضروریات امرالله و رای منافع افراد است و لهذا باید مرجح و مقدم بر آن باشد. ولی این دو مرحله از حیات اجتماعی بهائی، اگرچه از لحاظ اهمیت در صقع واحد قرار ندارند، با یکدیگر متناقض و متضادّ نیز نیستند. هر دو مورد اساسی و ضروری‌اند و باید در حدّ اهمیت خود مورد توجه و عنایت قرار گیرند. وظیفه و مسئولیت محافل

حضرت بهاء‌الله در ورق دهم از کلمات فردوسیة می‌فرمایند: "انفاق عندالله محبوب و مقبول و از سید اعمال مذکور. أَنْظُرُوا ثُمَّ أَذْكُرُوا مَا أَنْزَلَهُ الرَّحْمَنُ فِي الْفُرْقَانِ وَ يُؤْتِرُونَ عَلِيَّ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوَقِّ شَخَّ نَفْسَهُ أَوْلَيْكَ هُمْ الْفَائِزُونَ فِي الْحَقِيقَةِ اَيْنَ كَلِمَةُ مَبَارَكَةٍ فِي اَيْنَ مَقَامِ كَلِمَاتِ اسْت. طُوبَى لِمَنْ اخْتَرَّ اخَاهُ عَلِيَّ نَفْسِهِ اِنَّهُ مِنْ اَهْلِ اَلْبَهَاءِ فِي السَّنَفِيَةِ اَلْحَمْرَاءِ مِنْ لَدَى اَللّٰهِ اَلْعَلِيمِ اَلْحَكِيمِ" (۱)

جمال قدم در بشارت چهاردهم از لوح بشارات می‌فرمایند: "شَدَّ رِحَالِ مَخْصُوصِ زِيَارَتِ اَهْلِ قُبُورِ لَازِمٌ نَه. مَخْرَجِ اَنْ رَا اِغْرَ صَاحِبَانَ قَدْرَتِ وَ وَسَعَتِ بِيْتِ عَدْلِ بَرَسَانَدِ عِنْدَ اَللّٰهِ مَقْبُولِ وَ مَحْبُوبِ. نَعِيْمًا لِّلْعَامِلِيْنَ" (۲)

حضرت بهاء‌الله در لوح دنیا می‌فرمایند: "چهارم جميع رجال و نساء آنچه را که از اقتراف و زراعت و امور دیگر تحصیل نمایند جزئی از آن را از برای تربیت و تعلیم اطفال نزد امینی و دیعه گذارند و باطلاع امنای بیت عدل صرف تربیت ایشان شود." (۳)

تنازع

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک مورخ ۷ اکتبر ۱۹۱۲ می‌فرمایند: در عالم طبیعت آنچه که معمول و متداول است عبارت از تنازع بقا است که نتیجه آن بقای اصلح است. قانون بقای اصلح منشأ جمیع معضلات و مشکلات است، موجب جدال و نزاع است، علت نفرت و خصومت بین ابناء بشر است.^(۱) (ترجمه) (نقل از نجم باختر، ج ۸، صفحه ۱۵)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک مورخ ۸ اکتبر ۱۹۱۲ در کالیفرنیا می‌فرمایند: "آیا جائز است خود را اسیر طبیعت نمائیم بموجب انبعثات طبیعی که نزاع بقا است مانند حیوانات درنده همدیگر را بدریم، نوعی زندگانی کنیم که فرق مابین انسان و حیوان نمائند"^(۱)

و نیز در همان خطابه می‌فرمایند: "در طبیعت نزاع بقا است. اگر انسان تربیت نشود از مقتضیات طبیعت نزاع و جدال است. جمیع این مکاتب این همه مدارش بجهت چه تأسیس می‌شود بجهت این که انسان از مقتضای طبیعت نجات یابد، از نقائص طبیعت خلاص شود، کمالات معنویّه پیدا کند."^(۲)

اقتصاد الهی

حضرت ولی امرالله در توفیق منبع عصر ذهبی امر بهائی می فرمایند: "آیا نفس این قوا ... که در این عصر بکار افتاده است مستلزم آن نیست که هر کسی که حامل پیام خداوند است، باید هم آن اصول عالیۀ اخلاقی را تأیید نماید و هم در اظهار امرش ... اصولی را در آئین اجتماع و سیاست الهی^(۱) بگنجانند که جهت اداره عالم امروز لازم است و بتواند بشر را در تأسیس یک حکومت فدرال جهانی که مقدمۀ تأسیس ملکوت خدا در این دنیا است، هدایت نماید؟"^(۲) (نقل از نظم جهانی حضرت بهاءالله، ص ۶۱)

حضرت عبدالبهاء در لوح دکتر فورال می فرمایند: "همچنین مسئله اقتصاد بهائی نهایت آرزوی عُمَّال و منتهی مقصد احزاب اقتصاد است"^(۳)

حضرت ولی امرالله در توفیق مبارک مورخ ۲۶ دسامبر ۱۹۳۵ که از طرف هیکل اطهر خطاب به یکی از احباء نوشته شده است، می فرمایند: "... مقصود از بیان 'حل مسئله اقتصاد ماهیۀ الهی است' این است که تنها دیانت است که می تواند، به عنوان آخرین ملجأ و ملاذ، چنان تحوّل را در ماهیت انسان ایجاد نماید که او را قادر به اصلاح روابط اقتصادی جامعه نماید. تنها به این طریق است که انسان می تواند قوای اقتصادی را

مراتب و استعدادهای متفاوت انسان

حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابه‌های مبارک در سال ۱۹۱۲ در مونترال ایراد شده است، می‌فرماید: "مع کُلِّ ذلک، حفظ مراتب خواهد بود زیرا در عالم بشری وجود مراتب لازم است. هیئت اجتماع را می‌توان به یک اردو تشبیه کرد. در این قشون سردار لازم، صاحب‌منصب لازم، مارشال لازم، نفر لازم. ولی همه باید در نهایت راحت و آسایش زندگانی نمایند." (ترجمه)^(۱) (نقل از نجم باختر، جلد ۱۳، ص ۲۲۹)

حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابه‌های مبارک می‌فرماید: "از جمله اساس بهاء‌الله تعدیل معیشت است. طبقات ناس مختلفند، بعضی در نهایت غنا هستند، بعضی در نهایت فقر. یکی در قصر بسیار عالی منزل دارد، یکی سوراخی ندارد، یکی انواع طعام در سفره‌اش حاصل است یکی نان خالی ندارد، قوت یومی ندارد و لذا اصلاح معیشت از برای بشر لازم"^(۲)

حضرت عبدالبهاء در همان خطابه فوق می‌فرماید: "نظم عالم چنین اقتضا مینماید که طبقات باشد، نمیشود بشر یکسان باشد زیرا در ایجاد بشر مختلفند، بعضی در درجه اول عقلند و بعضی درجه متوسط، و بعضی بکلی از عقل محرومند. حال آیا ممکن

است نفسی که در درجهٔ اعلاى عقل است با نفسی که هیچ عقل ندارد مساوی باشد. عالم بشر مانند اردوئی است. اردو را سردار لازم و نفر نیز لازم. آیا ممکن است که همه سردار یا صاحب منصب باشند، یا همه سرباز باشند؟ البته مراتب لازم است.^(۱)

حضرت عبدالبهاء در خطابهٔ مورخ ۱۹ می ۱۹۱۲ در کلیسای اخوت نیوجرسی می‌فرمایند: "حقیقت موضوع این است که عدالت الهی در شرایط و امور بشری ظاهر خواهد شد و جمیع نوع بشر در زندگانی از راحت و آسایش برخوردار خواهند بود. این بدان معنی نیست که مساوات وجود داشته باشد، بلکه عدم تساوی در مرتبه و استعداد از خصوصیات طبیعت است. لہذا، نفوس غنی و نفوس محتاج به معیشت ضروری وجود خواهند داشت، اما در زندگی جمعی تساوی و تجدید اصلاح ارزشها و منافع وجود خواهد داشت" (ترجمه) (نقل از کتاب ترویج صلح عمومی، یا خطابات حضرت عبدالبهاء در امریکا)

حضرت عبدالبهاء در خطابهٔ مبارک مورخ اول جولای ۱۹۱۲ می‌فرمایند: "چه که جامعه به سرمایه‌دار، زارع، تاجر و عمله احتیاج دارد همانطور که یک اردو باید فرمانده، صاحب منصب و سرباز داشته باشد. نمیشود که همه فرمانده باشند، و نمیشود که همه صاحب منصب یا سرباز باشند. هر یک در مقام خود در ترکیب اجتماع باید متبحر و لایق باشد؛ هر یک در انجام وظائف باید با کفایت تام باشد، ولی تساوی

حضرت عبدالبهاء در خطابه فوق می فرمایند: "وقتی که شریعتی که حضرتش وضع فرمود تنفیذ و اجرا شد، دیگر نه غنی به افراط در جامعه وجود خواهد داشت و نه فقیر محتاج. این امر با تدوین و تطبیق با مراتب مختلف استعداد بشری حاصل خواهد گردید." (ترجمه)

حضرت ولی امرالله می فرمایند: "نابرابری اجتماعی نتیجه حتمی نابرابری طبیعی انسان است. نفوس بشر از لحاظ قوا و استعدادها متفاوتند و لهذا باید از لحاظ موقعیت اجتماعی و اقتصادی نیز متفاوت باشند." (ترجمه) (هدایات حضرت ولی امرالله،

ص ۲۰)

مدنیت الهیه

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک مورخ ۶ می ۱۹۱۲ در کلیولند اوهایو می فرمایند:

”مدنیت مادیه در نهایت ترقی است و حال احتیاج به مدنیت روحانیه است. مدنیت جسمانی به تنهایی کفایت ننماید و انطباق با شرایط و احتیاجات عصر حاضر نتواند. فواید آن محدود به عالم ماده است. از برای روح انسان محدودیتی وجود ندارد، چه که روح بنفسه در ترقی و تکامل است و اگر مدنیت الهیه تأسیس گردد روح ترقی یابد.“ (ترجمه)

حضرت عبدالبهاء در همان توفیق فوق می فرمایند: ”هر احساسات توسعه یافته بر فواید انسان بیفزاید. امکان اکتشاف حقایق یوماً فیوماً در ازدیاد است و نفوذ هدایت الهیه به نحوی دائم التزاید حصول یابد. جمیع آنچه ذکر شد منوط به شکل الهی مدنیت است ... استعداد نوع بشر امتحان شود و موقعی که تساوی تحقق یابد به مرتبه ای واصل گردد.“ (ترجمه)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک مورخ ۲ جون ۱۹۱۲ که در کلیسای آسانسیون نیویورک ایراد شده است، می فرمایند: ”تا به حال مدنیت جسمانی توسعه یافته است و حال

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک مورخ ۱۶ آپریل ۱۹۱۲ که در هتل آنسونیا واقع در نیویورک ایراد شده است می‌فرمایند: "حال که نفوس این اقلیم (آمریکا) به مدنیت جسمانیه عالی واصل شده‌اند، امیدوارم که قوای روحانیه بتواند این جسم عظیم را حیات بخشند." (ترجمه)

مرکز میثاق در لوح لاهه می‌فرمایند: "و از جمله تعالیم حضرت بهاء‌الله اینکه هرچند مدنیت مادی از وسائط ترقی عالم انسانیست، ولی تا منظم بمدنیت الهیه نشود نتیجه که سعادت بشریه است حصول نیابد."^(۱)

و نیز در همان لوح مبارک نازل: "مدنیت مادیه مانند زجاجست و مدنیت الهیه مانند سراج. زجاج بی سراج تاریک است. مدنیت مادیه مانند جسم است، ولی در نهایت طراوت و لطافت و جمال باشد مرده است، مدنیت الهیه مانند روح است. این جسم باین روح زنده است والا جیفه گردد. پس معلوم شد عالم انسانی محتاج بنفثات روح القدس است."^(۲)

انقطاع

حضرت بهاء‌الله می‌فرماید: "دَعُوا مَا عِنْدَكُمْ ثُمَّ طَيَّبُوا بِقَوَادِمِ الْاِنْقِطَاعِ فَوْقِ الْاِبْدَاعِ كَذَلِكَ يَا مُرْكُم مَالِكُ الْاِخْتِرَاعِ الَّذِي بِحَرَكَةِ قَلَمِهِ قَلْبُ الْعَالَمِينَ."^(۱)

جمال قدم می‌فرماید: "لَا يَنْفَعُ النَّاسَ مَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْاِثَاثِ وَ مَا يَنْفَعُهُمْ غَفَلُوا عَنْهُ"^(۲)

جمال مبین می‌فرماید: "ای بنده من از بند مُلک خود را رهائی بخش و از حبس نفس خود را آزاد کن وقت را غنیمت شمر زیرا که این وقت را دیگر نه‌بینی و این زمان را هرگز نیابی"^(۳)

و نیز می‌فرماید: "ای فرزند هوی از آرایش غنا پاک شو و با کمال آسایش در افلاک فقر قدم گذار تا خمر بقا از عین فنا بیاشامی"^(۴)

حضرت بهاء‌الله در کتاب عهدی می‌فرماید: "گنج نگذاشتیم، و بر رنج نیفزودیم. ای‌الله در ثروت خوف مستور و خطر مکنون. اَنْظُرُوا ثُمَّ اَذْكُرُوا مَا اَنْزَلَهُ الرَّحْمَنُ فِي الْفِرْقَانِ وَ يُؤَيَّلُ لِكُلِّ هُمْزَةٍ لُحْمَةٌ اَلَّذِي جَمَعَ مَالًا وَ عَدَدَهُ ثَرَوَاتِ عَالَمٍ رَا وَفَائِي نَهْ اَنْ چَه رَا فَنَا اِخْذْ نَمَايِدْ وَ تَغْيِيرْ پَذِيرِدْ لَا يِقْ اِعْتَنَا نَبُودَهْ وَ نَيْسْتْ مِگَرِ عَلِيْ قَدْرِ"

منابع اقتصادی

حضرت ولی امرالله در توقیع منیع تولّد مدنیت جهانی میفرماید: "منابع اقتصادی جهان تحت نظم در آید و از موادّ خامش بهره‌برداری و استفاده شود، بازار فروشش توسعه و هماهنگی یابد و محصولاتش بطور عادلانه توزیع شود.

"...نیروهای عظیمی که در راه جنگهای اقتصادی و سیاسی بهدر می‌رود از آن پس معطوف باهداف لایقی از قبیل توسعه اختراعات و ترقیّات فنی و ازدیاد تولیدات و محصولات بشری و ازاله امراض و توسعه تحقیقات علمی و بالا بردن سطح صحّت و تشحید و اعتلاء مغز و فکر بشری و بهره‌مندی از منابع بکر و ناشناخته کره زمین و درازی عمر انسان گردد و به ترویج هر وسیله‌ای که حیات فکری و اخلاقی و روحانی نوع انسان را تقویت کند پردازد. در چنین جامعه‌ای یک نظام فدرال جهانی برقرار گردد که بر جمیع بلاد حکومت نماید و فرمانروای بلامنازع منابع بسیار عظیمش باشد و مرام‌های عالیّه شرق و غرب را در بر گیرد و طلسم جنگ و بدبختی را بشکند و با استفاده از جمیع منابع موجود در زمین راغب باشد. در چنان نظامی زور خادم عدل و داد شود و بقایش متکی باشد بر شناسائی خداوند یگانه و پیروی از یک دین عمومی. این است هدف و مقصدی که نوع انسان ناگزیر بر اثر نیروهای وحدت‌بخش حیات به سویش روان است."^(۱)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مورخ ۱۷ نوامبر ۱۹۱۲ که در نیویورک ایراد شده است می‌فرمایند: "عالم انسانی از هر لحاظ در حال تحوّل است... نظرات و عقاید علمیه در حال توسعه و ترقّی است تا با سلسله وقایع جدیدی مقابل گردد، اختراعات و اکتشافات در حال نفوذ و رسوخ در عوالمی هستند که تا به حال مجهول بوده و بدایع جدید و اسرار مکنونه عالم مادی را مکشوف می‌سازد. صنایع از ابعاد کاملاً عظیمی برخوردار شده بر تولیدات افزوده است. در جمیع نقاط عالم بشری نظریه‌های فعالیت تکاملی مشهود است که بر منقضی شدن شرایط قدیمه و ظهور عصر جدید اصلاحات دلالت دارد." (ترجمه)

اصلاحات اقتصادی

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک مورخ ۷ می ۱۹۱۲ که در هتل شنلی، پنسیلوانیا ایراد شده، می‌فرمایند: "اصل یا تعلیم چهارم حضرت بهاء‌الله اصلاح و تساوی موازین اقتصادی عالم انسانی است. و این به مسئله معیشت بشر مربوط می‌شود. معلوم و واضح است که تحت نظام‌ها و شرایط فعلی فقراء مبتلا به احتیاج و مشقت عظیم هستند در حالی که سایرین از غنای بیشتر برخوردار و در تجمل و فراوانی که بمراتب مزید بر معیشت ضروری حقیقی آنها است زندگانی می‌کنند." (ترجمه)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک ۱۹ می ۱۹۱۲ که در کلیسای اخوت نیوجرسی ایراد شده است فرمودند: "با عدالت عظیم مظهر ظهور الهی به فقرای عالم اجر آنها داده خواهد شد و کاملاً مساعدت خواهند گردید و در شرایط اقتصادی نوع بشر اصلاحاتی صورت خواهد گرفت به نحوی که در آتیه ایام دیگر نفسی در منتهای غنا و ثروت و نفسی در منتهای فقر و مشقت وجود نخواهد داشت." (ترجمه)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک مورخ دوم جون ۱۹۱۲ که در کلیسای آسانسیون نیویورک ایراد شده است، می‌فرمایند: "اصلاح قوانین اقتصادی برای معیشت بشری باید به نحوی تنفیذ و اجرا گردد که تمام نوع بشر به نسبت مراتب خود در نهایت راحت و آسایش زندگانی کنند." (ترجمه)

مسائل اقتصادی

ماهیت و علل مسائل اقتصادی

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک که در سال ۱۹۱۲ در مونترال کانادا ایراد شده است، می‌فرماید: "به نظر می‌رسد که جمیع کائنات می‌توانند بنفسهم به تنهایی وجود داشته باشند. فی‌المثل، یک شجر میتواند در وحدت و خلوت در یک مرغزار یا یک وادی یا در دامنه یک کوه می‌تواند وجود داشته باشد. حیوانی که در کوه به سر می‌برد یا پرنده‌ای که در هوا پرواز می‌کند، می‌توانند به تنهایی زندگی کنند. آنها به تعاون یا تعاضد احتیاجی ندارند. چنین موجودات حی از نهایت راحتی و سعادت در حیات تنهایی خود برخوردارند. بالعکس، انسان نمی‌تواند به تنهایی و در خلوت زندگی کند. او محتاج به تعاون مداوم و مساعدت متقابل است. فی‌المثل، انسانی که در بیابان به تنهایی زندگی می‌کند ملاً گرسنه خواهد شد. او ابداً نمی‌تواند به تنهایی و بدون مساعدت احدی تمام احتیاجات وجود را فراهم آورد. لهذا، به تعاون و تعاضد محتاج است

"اگرچه هیئت اجتماعی عبارت از عائله واحده است، معهدا بعلت فقدان روابط هماهنگ بعضی از اعضاء راضی و بعضی دیگر گرسنه هستند، بعضی از اعضاء ملبّس به البسه ثمینه‌اند و بعضی از اعضاء عائله محتاج به غذا و ملجأ و

یک عائله در مشقت و فقر شدید باشد و بقیه عائله راحت و آسایش یابند؟ لاوالله. مگر آن که اعضاء دیگر بی احساس، بی محبت و نامهربان باشند.

"چنین بی توجهی در عائله انسانی منبعت از فقدان تسلط، فقدان قانون کار، فقدان محبت در این محیط است. اگر محبت نسبت به اعضاء عائله ابراز گردد، مطمئناً جمیع اعضاء آن از راحت و آسایش و سعادت بهره مند خواهند شد." (ترجمه)

حضرت عبدالبهاء می فرمایند: "اما سبب اصلی این مشکلات قوانین طبیعی مدنیّت حاضره است، زیرا نتیجه این قوانین این که نفوسی معدود بیش از لزوم ثروت بی پایان یابند و اکثری برهنه و عریان و بی سر و سامان مانند."^(۱)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مورخ ۱۶ آپریل ۱۹۱۲ در هتل آنسونا، نیوجرسی می فرمایند: "هیئت عالم بشری مریض است. شفا و علاج آن عبارت از وحدت عالم انسانی است. حیات آن عبارت از صلح عمومی است. نورانیت و حیات آن عبارت از محبت است" (ترجمه)

حضرت ولی امرالله در توقیع منیع تولد مدنیّت جهانی می فرمایند: "نقشه های اقتصادی جهت بازسازی بسیار طرح شده و آنها را با دقت به مرحله اجرا در آورده اند. با وجود تمام این اقدامات بحرانی از پس بحرانی دیگر آنها با چنان

باشند و چه آسیائی، چه مؤمن و چه کافر. چه سیاه و چه سفید" (۱)

حلّ مسائل اقتصادی

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "اسرار کلّ مسائل اقتصادی از لحاظ ماهیت، الهی است و به عالم قلب و روح ارتباط دارد. در تعالیم بهائی این از جمله مواردی است که به نحو اکمل توضیح داده شده است و بدون ملاحظه و رعایت تعالیم بهائی، ایجاد وضعیت مطلوبتر ممتنع و مستحیل است" (ترجمه) (نقل از صفحه ۴۴۸ جلد چهارم عالم بهائی)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک مورّخ ۲۳ جولای ۱۹۱۲ در هتل ویکتوریا واقع در بوستون ماساچوست می‌فرمایند: "امر بهائی جمیع مسائل اقتصادی و اجتماعی را در ظلّ احکام و قوانین خود حلّ و فصل می‌کند. حقیقت روح بهائی لاجل تأسیس نظم اجتماعی مطلوب‌تر و ایجاد شرایط اقتصادی بهتر است. باید نسبت به قوانین و اصول حکومت مطیع و وفادار بود." (ترجمه) (نقل از کتاب ترویج صلح عمومی، ص ۲۳۸)

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "کلّیه مشاکل اقتصادی با به کار بردن علم محبّت الهی حلّ می‌گردد." (۲)

ولی این قانون عظیم طلائی را در طاقچه‌ای می‌گذارند و حتی‌گردد و خاکش را هم پاک نمی‌کنند.

”مسائل اقتصادی جهان اگر حل نگردد، نوع انسان را بالکل نابود می‌سازد و اگر این قانون الهی به کار برده شود، زندگانی خانوادگی سراسر مملو از مسرت می‌گردد. البته اگر آن را چون موازین علمی در حلّ روابط بین‌المللی و ملی استعمال می‌کردند، در علائق بین سرمایه‌دار و کارگر و روابط بین غنی و فقیر آرامش کلی حاصل می‌نمود و پول و تجارت منظم می‌شد. آیا جای ادنی‌شکی هست که اگر این اصل به کار رود سعادت انسانی محتوم گردد، سعادت‌تی که محال است به واسطه‌ امور سیاسی به دست آید؟“^(۱)

مساوات

حضرت بهاء‌الله در کلمات مبارکه مکنونه می‌فرماید: "هَلْ عَرَفْتُمْ لِمَ خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ وَاحِدٍ لِئَلَّا يَفْتَخِرَ أَحَدٌ عَلَىٰ أَحَدٍ وَتَفَكَّرُوا فِي كُلِّ حِينٍ فِي خَلْقِ أَنْفُسِكُمْ إِذَا يَنْبَغِي كَمَا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ شَيْءٍ وَاحِدٍ أَنْ تَكُونُوا كَنْفُسٍ وَاحِدَةٍ بِحَيْثُ تَمْشُونَ عَلَىٰ رِجْلِ وَاحِدَةٍ وَتَأْكُلُونَ مِنْ فَمٍ وَاحِدٍ وَتَسْكُنُونَ فِي أَرْضٍ وَاحِدَةٍ حَتَّىٰ تَظْهَرَ مِنْ كَيْنُونَاتِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ وَأَفْعَالِكُمْ آيَاتُ التَّوْحِيدِ وَجَواهِرُ التَّجْرِيدِ هَذَا نُصْحِي عَلَيْكُمْ يَا مَلَأَ الْأَنْوَارَ فَانْتَصِحُوا مِنْهُ لِتَجِدُوا ثَمَرَاتِ الْقُدْسِ مِنْ شَجَرِ عِزٍّ مَنِيعٍ"^(۱)

حضرت عبدالبهاء در لوح لاهه می‌فرماید: "و همچنین حزب مساوات که طالب اقتصاد است. الی‌الآن جمیع مسائل اقتصادی از هر حزبی که در میان آمده قابل اجرا نه مگر مسائل اقتصادی که در تعالیم حضرت بهاء‌الله و قابل‌الاجراست و از آن اضطرابی در هیئت اجتماعی حاصل نگردد"^(۲)

حضرت عبدالبهاء در لوح مبارک خطاب به اولی شوارتز به تاریخ فوریه ۱۹۲۰ می‌فرماید: "اما در تعالیم الهی مساوات از طریق تسهیم و تشریک به طوع و رغبت حاصل می‌گردد. در ارتباط با ثروت و غنا امر شده است که اغنیاء ناس و اشراف و اعیان باید

حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابات مبارک می‌فرمایند: "پس معلوم شد که مساوات بین بشر در معیشت ممکن نیست (مساوات وهم صرف است. بکلی غیر عملی است. حتی اگر مساوات امکان‌پذیر بود قابل تداوم نبود و اگر وجود مساوات ممکن بود، کل نظام عالم مختل می‌شد. قانون نظم باید همیشه در عالم بشری حاصل گردد. خداوند در خلقت بشر چنین مقدر کرده است)"^(۱)

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "زیرا در مساوات غیرمشروع نیز محذور واقع، پس بهتر آنست که اعتدال بمیان آید و اعتدال اینست که قوانین و نظاماتی وضع شود که مانع ثروت مفرط بی‌لزوم بعضی نفوس شود و دافع احتیاج ضروریه جمهور گردد. مثلاً اصحاب فبریک صاحب کارخانه‌ها هر روز کنزی بدست آرند ولی بیچارگان عمله بقدر کفایت معیشت یومیه اجرت نگیرند. این نهایت اعتساف است البته انسان منصف قبول ننماید."^(۲)

حضرت ولی امرالله در توفیق منیع تولد مدنیت جهانی می‌فرمایند: "بحران عظیم اقتصادی (امریکا)، عواقب بزرگترین بلائی که تا بحال بشر تجربه کرده است (جنگ بین‌الملل اول) و اضمحلال نظامی که معاهده ورسای بوجود آورده بود، احیاء میلیتاریسم به بدترین وضع ممکن، عدم موفقیت تجارت مفصل، شکست مؤسسات نوزادی که برای حفظ صلح و آسایش مردمان و طبقات ملل بکار گرفته شده بود،

حقوق الله

حضرت بهاء الله می‌فرماید: "یا زین علیک بهائی و عنایتی. هیچ امری در عالم قابل اعتناء نبوده و نیست. معهدا اگر نفسی به طیب خاطر ولو فلسفی او اقل فی سبیل الله انفاق نماید در منظر حق، اعلی و ارفع از جمیع کنوز ارض خواهد بود. این بدان جهت است که حق جلّ جلاله در جمیع صحف و زُبر خود هر نفسی را که عامل به احکام و حدود بوده ثروت خود را لله انفاق نماید تقدیر می‌فرماید. از ساحت الهی مسئلت نمائید که جمیع را به ادای فریضه حقوق موفق گرداند، چه ترقی و اعتلای امر الهی به وسائل مادیه منوط. اگر عباد مؤمنین او ادراک نمایند اعمال خیریه در این ایام چه مقامی را داراست، البته به آنچه که لایق و سزاوار است قیام نمایند. إِنَّ يَنْبِيعَ الْقُدْرَةِ بَيِّدُهُ وَيَفْعَلُ مَا يَشَاءُ بِمَشِيئَتِهِ. إِنَّهُ لَهُوَ الْحَاكِمُ الْوَاهِبُ الْعَادِلُ الْمُنَزَّلُ الْعَلِيمُ" (ترجمه) (نقل از مجموعه حقوق الله، ص ۱)

حضرت بهاء الله می‌فرماید: "ادای حقوق بر کلّ فرض است." "نفع این فقره بخود آن نفوس راجع" "مطالبه محبوب نبوده و نیست هر امری باید بروح و ریحان تمام شود هر نفسی بکمال رضا اقبال کرد و ادا نمود اخذ نمایند" "هر نفسی موفق شود بر اداء آن و بروح و ریحان برساند مقبول است والا فلا" "إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ" (۱)

كُلِّ عَالَمٍ مِّنْ عَوَالِمِ رَبِّهَا الْغَنَى الْكَرِيمَ" (۱)

در لوحی خطاب به جناب ابوالحسن امین می‌فرمایند: "علیک بهائی بعزت امر ناظر باش و بماتنجذب به آلافتة و العقول تکلم نما مطالبه حقوق ابداً جایز نبوده و نیست این حکم در کتاب الهی نازل لاجل بعضی امور لازمه که من لدی الحق باسباب مقدر شده اگر نفسی بکمال رضا و خوشوقتی بلکه باصرار بخواهد باین فیض فائز شود قبول نمائید و الا فلا" (۲)

در رساله سؤال و جواب نازل: "سؤال: در الواح الهی نازل شده هر گاه کسی مالک شود معادل نوزده مثقال ذهب را باید حق الله را از آن ادا نماید بیان شود از نوزده چه قدر داده شود. جواب: حکم الله صد نوزده معین شده از آن قرار حساب نمایند معلوم میشود بر نوزده چه مقدار تعلق می‌گیرد" (۳)

حضرت بهاءالله در لوح سمندر می‌فرمایند: "و اما درباره حقوق الله نصاب آن عدد واحد است یعنی هر نفسی اگر دارای نوزده مثقال ذهب شود و یا اشیائی که باین قیمت برسد بعد از وضع مؤنه سنه حقوق بر آن تعلق می‌گیرد و ادای آن واجب" (۴)

حضرت بهاءالله می‌فرمایند: "کما نُزِّلَ فِي كِتَابِ الْاَقْدَسِ، نَصَابِ حَقُوقِ اللّٰهِ نُوْزِدَه

و هست. از ساحت الهی جلّ جلاله مسئلت نمائید تا نفوس را به ادای فریضه حقوق موفق گرداند چه اگر جمیع نفوس منافع چنین عملی را ادراک نمایند و از خیانت در حقّ الله اجتناب ورزند، احدی از احبّای آن دیار مبتلا به شدائد و بلایا نخواهد شد. (ترجمه)

حضرت بهاء الله می فرمایند: "عزم آن جناب در زیارت بیت مبارک در نظر این مظلوم مقبول و محبوب مشروط بر آن که در کمال روح و ریحان انجام شود و مغایر حکمت نباشد. قل یا قوم اوّل امر عرفان حقّ جلّ جلاله و آخر آن استقامت و بعد تطهیر مال و ما عند القوم بما أمر به الله بوده لذا باید اوّل حقوق الهی ادا شود بعد به جانب بیت مبارکش توجه نمائی. این کلام محض لطف و احسان بیان گردید." (۱) (نقل از صفحه ۱۸ مجموعه حقوق الله)

حضرت بهاء الله می فرمایند: "ادای حقوق الله به هر نفسی جایز نه. حقّ علیم باین کلام تفوه فرمود. حقوق الله باید نزد نفوس امین حفظ شود و توسط امنای الهی به ساحت اقدس ارسال گردد" (ترجمه) (نقل از مجموعه حقوق الله، ص ۳۳)

حضرت عبدالبهاء می فرمایند: "در خصوص حقوق سؤال نمودی. از عایدات سالانه، بعد از کسر مصارف سنه کامله آنچه زیاده باقی ماند صد نوزده بر آن حقوق

نمی‌گیرد. چگونه می‌توان انتظار داشت که حقوق هر سنه بر اموال تعلق گیرد؟ فی‌المثل، از کلّ عایدات که در یک سنه داشتی باید مصارف یک سنه را کسر کنی. بر آنچه که زیاده ماند حقوق ترتب یابد. اموالی که در سنه ماضیه حقوق آن ایفا شده باشد از ادای حقوق مجدد معاف است." (ترجمه) نقل از صفحه ۴۰ مجموعه حقوق‌الله)

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "حقوق بر جمیع مایملک تعلق می‌گیرد ولکن اگر شخصی حقوق بر ملکی را ایفا نموده و واردات آن ملک بقدر احتیاج اوست دیگر بر آن شخص حقوق ترتب نیابد. بر آلات و ادوات زراعت حتی حیوانات حرث باندازه که لزوم است حقوق ترتب نگردد"^(۱)

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: "اما در خصوص حقوق‌الله ... تعلق آن بمال‌التجاره و ملک و عایدات است که بعد از مخارج لازمه آنچه فایده حاصل شود و بر مایه افزوده گردد باید حقوق آن داده شود و چون یک مرتبه حقوق ادا شد دیگر بر آن تعلق نمی‌گیرد مگر آنکه آن مال از شخصی به شخص دیگر رسد و اما بیت و اسباب بیت، حقوق تعلق نمی‌گیرد ... حقوق‌الله راجع بمرکز امر است"^(۲)

توجه: به خوانندگان توصیه می‌شود که مجموعه حقوق‌الله را که توسط دارالتحقیق بیت‌العدل اعظم تدوین شده است جهت اطلاع بر جزئیات این موضوع، مطالعه نمایند.

بردگی صنعتی

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "وقتی که در سنه ۱۸۶۵ در این اقلیم بردگی و برده‌داری را لغو کردید به امر عظیمی موفق شدید، حال باید امر بدیع دیگری انجام دهید، باید بردگی صنعتی را نیز منسوخ نمائید." (ترجمه) (نقل از نجم باختر جلد ۷، ص ۶)

ارث

در ملحقات کتاب اقدس آمده است:

”الف - طبقاتی که ارث می‌برند:

اولاد	۱۰۸۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم
زوج یا زوجه	۳۹۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم
پدر	۳۳۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم
مادر	۲۷۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم
برادر	۲۱۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم
خواهر	۱۵۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم
معلم	۹۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم

ب - حضرت بهاءالله سهم اولاد را که حضرت اعلیٰ تعیین فرموده بودند مضاعف و در عوض به طور مساوی از سهام سایر طبقات وراثت کسر فرموده‌اند.

ج - سهم اولاد در شرایط خاص

۱- اگر متوفی ذریه نداشته باشد سهم اولاد به بیت‌العدل راجع است تا

د - اگر از متوفی ذریه موجود ولی سایر طبقات وراثت کلاً یا بعضاً موجود نباشد دو ثلث از سهم طبقات مفقوده به ذریه و ثلث آن به بیت‌العدل راجع است.

ه - اگر از طبقات مصرّحه در کتاب کسی باقی نباشد دو ثلث از ارثیه به اولاد برادر و خواهر متوفی و در صورت فقدان آنها سهم مذکور به عمّه و خاله و دایی و عموراجع است و اگر آنها در قید حیات نباشند به فرزندان آنها می‌رسد و در هر حال ثلث باقی مانده به بیت‌العدل راجع است.

و - اگر هیچ یک از وراثت فوق‌الذکر موجود نباشند تمام ماترک به بیت‌العدل راجع می‌گردد.

ز - دار مسکونه و البسه مخصوصه پدر فوت شده به ذریه ذکور راجع می‌شود نه به ذریه اناث. اگر بیوت مسکونه متعدّد باشد اعلی و اشرف آن به ذریه ذکور تعلّق می‌یابد و سایر بیوت و ماترک شخص متوفی بین وراثت تقسیم می‌شود. اگر پدری ذریه ذکور نداشته باشد دو ثلث دار مسکونه و البسه مخصوصه‌اش به ذریه اناث و یک ثلث به بیت‌العدل راجع می‌گردد. در مورد ماترک مادر، البسه مستعمله وی باید بالسویه بین دخترانش تقسیم شود و اگر دختری از وی باقی نمانده باشد البسه

سهمی از منافع حاصله باید به شخص امین یا امناء تخصیص داده شود.

ط - ماترک متوفی نباید بین ورثات تقسیم شود مگر بعد از اداء حقوق الله و تأدیة دیون متوفی و مصارف تشییع و تدفین میت به عزت و احترام.

ی - در صورتی که برادر متوفی برادر آبی باشد سهم کامل مذکور در کتاب به او تعلق می‌گیرد، اما اگر از پدر جدا باشد فقط دو ثلث سهم مذکور به او تعلق می‌گیرد و ثلث بقیه به بیت‌العدل راجع است. این حکم درباره خواهر متوفی نیز جاری است.

ک - در مواردی که برادران و خواهران آبی و امی حیات داشته باشند برادران و خواهران امی سهمی از ارثیه نمی‌برند.

ل - معلم غیربھائی ارث نمی‌برد و اگر معلم متعدد باشد سهم معلم بالسویہ میانشان قسمت می‌شود.

م - ورثه غیربھائی از ارث سهم نمی‌برند.

ن - هر آنچه زوج به نام زوجه‌اش خریده باشد باید جزء مایملک زوج

خود داده باشد." (۱)

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "در آتیۀ ایام مالک فبریک مجاز نخواهد بود که جمیع اموال خود را برای عائلۀ خود به جای بگذارد. قانونی وضع خواهد شد شبیه این که او باید فقط یک ربع از اموال خود را به عائله‌اش واگذار نماید و سه ربع دیگر باید به عمّال فبریک که موجد مکنت و ثروت او بوده‌اند ادا گردد." (ترجمه) (نقل از صفحه ۱۱ جلد هشتم نجم باختر)

توضیحات و مراجع

وقتی که یکی از آحاد احبّا از حضرت ولی امرالله سؤال نمود که آیا مقصود از لغت "معلم" که به عنوان یکی از طبقات وراثت تعیین شده است، معلم معینی است یا این اصطلاح اطلاق عامّ دارد یعنی تعلیم و تربیت بطور کلی، حضرت ولی امرالله جواب فرمودند که نحوه اجرای این حکم توسط بیت العدل اعظم تعیین خواهد شد. (نقل از جزوه تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب اقدس)

در لوحی حضرت عبدالبهاء می فرمایند که بیت مسکونی و البسه مخصوصه، در صورتی که شخص متوفی مرد باشد، به پسران او تعلق می یابد. اگر پسر ارشد حیات داشته باشد هر دو به او راجع است و الا به پسر ثانی و اگر ثانی فوت شده باشد به پسر ثالث می رسد و قس علی ذلک. (ملحقات کتاب اقدس، ص ۱۳۶ شماره ۴۴)

حقوق الله: فریضه روحانی هر شخصی آن است که اگر ارزش دارائی او اقلّاً معادل نوزده مثقال طلا باشد نوزده در صد آن مبلغ را بابت حقوق الله بپردازد و حقوق الله بر این مبلغ فقط یک مرتبه تعلق می گیرد. بعد از آن هر موقع درآمد او پس از وضع همه مصارف به لا اقل معادل نوزده مثقال طلا افزایش یابد نوزده در صد این افزایش، باید بابت حقوق الله پرداخت شود. هر یک از

حضرت ولی امرالله در توقیعی که منشی هیکل اطهر از طرف ایشان خطاب به محفل مقدّس روحانی بهائیان هندوستان مرقوم داشته‌است، می‌فرمایند که اگرچه در رساله سؤال و جواب حضرت بهاءالله صریحاً می‌فرمایند که نفوس غیرمؤمن از والدین یا منسوبین ارث نمی‌برند، اما "این امر منحصرأ محدود به مواردی است که شخص بهائی بدون وصیّت‌نامه فوت کند و لاجرم ماترک او بر طبق کتاب اقدس تقسیم شود. در غیر این صورت فرد بهائی مختار است مایملک خود را به هر شخصی بدون ملاحظه دیانت ببخشد مشروط بر اینکه وصیّت‌نامه‌ای تنظیم و نیّت خود را تعیین کرده باشد. بنابراین ملاحظه می‌کنید که شخص بهائی همواره می‌تواند برای زوجه یا اولاد و یا منسوبان غیربهائی خود در وصیّت‌نامه سهمی منظور دارد." (ترجمه)^(۱)

انصاف

حضرت بهاء‌الله در کلمات مکنونه عربی می‌فرماید: "يَا أَبْنَ الرَّوْحِ أَحَبُّ الْأَشْيَاءِ عِنْدِي الْإِنصَافَ لَا تَرْغَبْ عَنْهُ إِنْ تَكُنْ إِلَيَّ رَاغِبًا وَلَا تَغْفُلْ مِنْهُ لِتَكُونَ لِي أَمِينًا وَأَنْتَ تُؤَفِّقُ بِذَلِكَ أَنْ تُشَاهِدَ الْأَشْيَاءَ بِعَيْنِكَ لَا بِعَيْنِ الْعِبَادِ وَتَعْرِفَهَا بِمَعْرِفَتِكَ لَا بِمَعْرِفَةِ أَحَدٍ فِي الْبِلَادِ فَكَّرْ فِي ذَلِكَ كَيْفَ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ مِنْ عَطِيَّتِي عَلَيْكَ وَعِنَايَتِي لَكَ فَاجْعَلْهُ أَمَامَ عَيْنَيْكَ"^(۱)

حضرت بهاء‌الله در لوح مبارک طرازات می‌فرماید: "اصحاب انصاف و عدل بر مقام اعلی و رتبه علیا قائمند. انوار برّ و تقوی از آن نفوس مُشرق و لائح. امید آنکه عباد و بلاد از انوار این دو نیر محروم نمانند."^(۲)

جمال مبارک در لوح مبارک کلمات فردوسی می‌فرماید: "...سراج عباد داد است. او را بادهای مخالف ظلم و اعتساف خاموش نمائید و مقصود از آن ظهور اتحاد است بین عباد. در این کلمه علیا بحر حکمت الهی موج دفاتر عالم تفسیر آن را کفایت ننماید. اگر عالم باین طراز مزین گردد شمس کلمه یوم (یعنی الله کلاً من سعته) از افق سماء دنیا طالع و مُشرق مشاهده شود. مقام این بیان را بشناسید چه که

و حقّ است تا این در حیّز وجود تحقّق نیابد جمیع امور مختل و معوّق و عالم انسانی
عالم ظلم و عدوانست و عالم تعدّی و بطلان^(۱)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک که در سال ۱۹۱۲ در مونترال کانادا ایراد شده است،
می‌فرمایند: "از خداوند مسئلت می‌نمائیم که به نفوس انسانی عدل عنایت فرماید تا
منصف باشند و در جهت حصول راحتی برای جمیع جدّ و جهد کنند، تا هر یک از
اعضای جامعه بشری در کمال راحت و آسایش زندگانی نمایند. در این صورت این
جهان مادی جنّت ملکوت گردد، این عالم عنصری صورت آسمانی یابد و کلیه
عباد الهی در کمال روح و ریحان و سرور و سعادت زندگانی نمایند." (ترجمه) (نقل از
نجم باختر جلد ۱۳، ص ۲۳۰)

حضرت عبدالبهاء در همان خطابه فوق می‌فرمایند: "فی الواقع، عامّه ناس به
بی‌انصافی و بی‌عدالتی عظیم مبتلا" (ترجمه)

حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابات مبارکه می‌فرمایند: "دول ممالک باید با قانون
شریعت‌الله که عدالت مساوی برای جمیع مقرر می‌دارد، انطباق داشته باشند. تنها
بدین طریق است که افراط مطلق در ثروت و محنت، و فقر منحط کننده و فاسد کننده
زائل خواهد شد. تا چنین نگردد شریعت الهیه تمکّن نیابد" (ترجمه) (نقل از خطابات

هیئت اجتماعی جدیدی انطباق می‌یابد، عدالت الهیه در جمیع امور بشریه ظاهر و
باهر گردد و سنجیه انسانیه در جمیع عالم تأسیس و تثبیت شود.
حقیقت موضوع این است که عدالت الهیه در اوضاع و احوال بشریه ظهور و
بروز یابد و جمیع نوع بشر در حیات خود از راحتی و سرور برخوردار گردند."
(ترجمه) (نقل از کتاب ترویج صلح عمومی، ص ۱۳۲)

انسان، فقط عامل تولید نیست

حضرت بهاء‌الله در کتاب عهدی می‌فرماید: "مقام انسان بزرگ است اگر بحق و راستی تمسک نماید و بر امر ثابت و راسخ باشد. انسان حقیقی بمثابه آسمان لَدَى الرَّحْمَنِ، مشهود. شمس و قمر، سمع و بصر، و انجم او، اخلاق منیره مضمیه. مقامش اعلى المقام و آثارش مربی امکان" ذ

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک مورخ ۲۳ آپریل ۱۹۱۲ که در واشنگتون دی سی ایراد شده است می‌فرماید: "انسان دارای ادراک و شعور است و طبیعت فاقد آن و این امر نزد فلاسفه مسلم است. انسان از اراده و حافظه برخوردار و طبیعت محروم از آن. انسان کشف اسرار مکنونه طبیعت نماید در حالی که طبیعت غافل از اسرار مودوعه در خود. انسان در ترقی و تقدّم است و طبیعت ساکن و بی‌تحرک و محروم از قوه اعتلاء و انحطاط. انسان موهوب به فضائل عالیّه مانند تفکر، اراده، و از جمله ایمان و اقرار و اعتراف به ذات الهی است و طبیعت فاقد جمیع اینها. قوای مکنونه عالیّه بشری، از جمله استعداد اکتسابات علمیه، فوق ادراک طبیعت است. این قواست که انسان بواسطه آنها از جمیع اشکال سائره حیات متمایز و ممتاز است..." (ترجمه)

اعتدال

حضرت بهاءالله در ورق نهم از کلمات فردوسیة می فرماید: "... هر امری از امور اعتدالش محبوب چون تجاوز نماید سبب ضَرَّ گردد. در تمدن اهل غرب ملاحظه نمائید که سبب اضطراب و وحشت اهل عالم شده، آلت جهنمیه بمیان آمده و در قتل وجود شقاوتی ظاهر شده که شبه آن را چشم عالم و آذان امم ندیده و نشنیده" ذ

حضرت بهاءالله می فرماید: "اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُسْرِفُوا فِي شَيْءٍ وَلَا تَكُونُوا مِنْ

الْمُسْرِفِينَ" ذذ

حِرَف و صنایع

کار و حرفه

حضرت ولی امرالله در توقیعی که به تاریخ ۲۶ دسامبر ۱۹۳۵ از طرف هیکل اطهر به یکی از احباء نوشته شده است، می‌فرمایند: "هر قدر ترقیات فنیّه و وسائل حاصل گردد، انسان همیشه باید جهت تأمین معاش سعی و کوشش نماید. جدّ و جهد جزء لایتجزای حیات انسان است. با تحوّل شرایط عالم ممکن است به اشکال مختلف ظاهر گردد، لکن همیشه به صورت عنصر لازم و ضروری در وجود ترابی ما موجود خواهد بود. به هر حال، حیات عبارت از تلاش و مجاهده است. ترقی و تقدّم با بذل مساعی حاصل خواهد شد و بدون چنین جدّ و جهدی حیات از معنی و مفهوم محروم شده معدوم خواهد گردید. ترقّیات فنیّه در وسائل تولید منافی ضرورت سعی و تلاش نیست، بلکه شکل و ظاهر جدیدی به آن بخشیده است." (ترجمه) (نقل از انوار هدایت)

حضرت بهاءالله در بشارت دوازدهم از لوح مبارک بشارات می‌فرمایند: "قَدْ وَجَبَ عَلَيَّ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ الْإِشْتِغَالُ بِأَمْرِ مِنَ الْأُمُورِ مِنَ الصَّنَائِعِ وَالْإِقْتِرَافِ وَ أَمْثَالِهَا وَ جَعَلْنَا إِشْتِغَالَكُمْ بِهَا نَفْسَ الْعِبَادَةِ لِلَّهِ الْحَقِّ. تَفَكَّرُوا يَا قَوْمُ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ وَ الطَّافِهِ ثُمَّ أَشْكُرُوهُ فِي الْعَشِيِّ وَ الْإِشْرَاقِ لَا تَضَيِّعُوا أَوْقَاتِكُمْ بِالْبَطَالَةِ وَ الْكَسَالَةِ وَ أَشْتِغَلُوا بِمَا

فَضْلِهِ الْعَظِيمِ الْعَمِيمِ" ذ

حضرت ولی امرالله در توفیق مبارک که در تاریخ ۲۲ مارچ ۱۹۳۷ از طرف حضرتشان خطاب به محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایالات متّحده و کانادا ترقیم یافته است می فرماید:

"راجع به دستور حضرت بهاءالله در این باره که احباء به شغلی از اشغال مشغول شوند، تعالیم مبارک در این مورد بسیار مؤکد است، به خصوص بیان مبارک در کتاب مستطاب اقدس در این باره صریحاً میسرساند که نفوس مهمله که تمایل به کار ندارند در بساط نظم بدیع الهی محبوب و مقبول نیستند. بر اساس این حکم محکم، حضرت بهاءالله می فرماید که تکدی نه تنها مذموم است بلکه باید به کلی از صفحه روزگار محو گردد. کسانی که زمام تشکیلات جامعه را در دست دارند موظّفند و سائلی فراهم کنند تا هر فردی از افراد فرصت یابد و به کسب حرفه و صنعتی نائل شود. و همچنین باید تدابیری اتخاذ کنند تا این استعداد و کاردانی، هم به خاطر ترویج نفس حرفه و هم به خاطر امرار معاش آن فرد، به کار رود. بر هر فردی از افراد، ولو هر قدر دچار موانع و محدودیت باشد، واجب است به کار و پیشه‌ای اشتغال ورزد، چون کار، علی‌الخصوص وقتی بانیّت خدمت همراه باشد، به موجب تعالیم حضرت بهاءالله نوعی عبادت است. کار نه تنها متضمّن فایده عمومی است، بلکه بنفسه دارای قدر و منزلتی مخصوص است. زیرا موجب تقرب ما به درگاه الهی است و سبب می‌گردد که مقصد الهی را برای حیات خود در این عالم بهتر درک

حضرت بهاء‌الله در کلمات مکنونه فارسی می‌فرمایند: "ای بندگان من شما اشجار رضوان منید باید باثمار بدیعۀ منیعۀ ظاهر شوید تا خود و دیگران از شما منتفع شوند لذا بر کلّ لازم که بصنائع و اکتساب مشغول گردند. اینست اسباب غنا یا اولی‌الالباب و إِنَّ الْأُمُورَ مُعَلَّقَةٌ بِأَسْبَابِهَا وَ فَضْلُ اللَّهِ يُغْنِيكُمْ بِهَا وَ أَشْجَارُ بِيْ ثَمَارٍ لَا تَقْنَارُ بُوْدَةٌ وَ خَوَاهِدُ بُوْدٌ".^(۱)

و نیز می‌فرمایند: "ای بنده من پست‌ترین ناس نفوسی هستند که بی‌ثمر در ارض ظاهرند و فی‌الحقیقه از اموات محسوبند بلکه اموات از آن نفوس معطله مهمله ارجح عندالله مذکور"^(۲)

و نیز می‌فرمایند: "ای بنده من بهترین ناس آنانند که باقتراف تحصیل کنند و صرف خود و ذوی‌القربی نمایند حُبًّا لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ"^(۳)

جمال مبارک در طراز اول از لوح مبارک طرازات می‌فرمایند: "... بعد از تحقق وجود و بلوغ ثروت لازم و این ثروت اگر از صنعت و اقتراف حاصل شود نزد اهل خرد ممدوح و مقبول است مخصوص عبادی که بر تربیت اهل عالم و تهذیب نفوس امم قیام نموده‌اند"^(۴)

ببدگویی نیالایند. امروز آفتاب صنعت از افق آسمان غرب نمودار و نهر هنر از بحر آنجهت جاری باید بانصاف تکلم نمود و قدر نعمت را دانست.^(۱)

حضرت بهاءالله در تجلی سوم از لوح مبارک تجلیات می فرمایند: "تجلی سوم علوم و فنون و صنایع است. علم بمنزله جناح است از برای وجود و مرقات است از برای صعود. تحصیلش بر کل لازم، ولکن علومی که اهل ارض از آن منتفع شوند نه علومی که بحرف ابتدا شود و بحرف منتهی گردد. صاحبان علوم و صنایع را حقّ عظیم است بر اهل عالم..."^(۲)

مستمری

حضرت عبدالبهاء در بحث اعتصاب کتاب مفاوضات می‌فرماید: "عمله بقدر معیشت معتدله اجرت یومیه گیرند و چون سقط یا عاجز یا ناتوان گردند بقدر کفایت حق استفاده از واردات فبریکه داشته باشند"^(۱)

فقر و محتاجان

حضرت بهاء‌الله در لوح مبارک دنیا می‌فرماید: "باید از شما ظاهر شود آنچه که سبب آسایش و راحت بیچاره‌گان روزگار است"^(۱)

جمال مبارک مخاطباً للملوك می‌فرماید: "ثُمَّ أَعْلَمُوا بِأَنَّ الْفُقَرَاءَ أَمَانَاتُ اللَّهِ بَيْنَكُمْ إِيَّاكُمْ أَنْ لَا تَخُونُوا فِي أَمَانَاتِهِ وَلَا تَظْلِمُوهُمْ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْخَائِنِينَ سَتَسْأَلُونَ عَنْ أَمَانَتِهِ فِي يَوْمٍ أَلَّذِي تُنْصَبُ فِيهِ مِيزَانُ الْعَدْلِ وَ يُؤْتَى كُلُّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ وَ يُوزَنُ فِيهِ كُلُّ الْأَعْمَالِ مِنْ كُلِّ غَنِيٍّ وَ فَقِيرٍ"^(۲)

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه می‌فرماید: "اگر نفسی عاجز باشد یا به فقر شدید افتد و چاره‌ای نتواند اغنیاء یا وکلاء باید چیزی مبلغی در هر ماهی از برای او معین کنند تا با او گذران کند ... مقصد از وکلاء وکلای ملت است که اعضای بیت عدل باشد"^(۳)

جمال قدم در کلمات مکنونه عربی می‌فرماید: "يَا أَبْنَ الْبَشَرِ إِنْ أَصَابَتْكَ نِعْمَةٌ لَا تَفْرَحْ بِهَا وَ إِنْ تَمَسَّكَ ذَلَّةٌ لَا تَحْزَنْ مِنْهَا لِأَنَّ كِلْتَيْهِمَا تَزُولَانِ فِي حِينٍ وَ تَبِيدَانِ فِي

و نیز در همان اثر مبارک می‌فرمایند: "يَا أَبْنُ الْوَجُودِ إِنَّ يَمَسَّكَ الْفَقْرُ لَا تَحْزَنَنَّ لِأَنَّ
سُلْطَانَ الْغِنَى يَنْزِلُ عَلَيْكَ فِي مَدَى الْأَيَّامِ وَمِنْ أَلْذَلَّةِ تَاتَخَفُ لِأَنَّ الْعِزَّةَ تُصِيبُكَ فِي
مَدَى الزَّمَانِ" (۱)

و نیز در همین اثر جلیل نازل: "يَا أَبْنُ الْإِنْسَانِ أَنْفِقْ مَالِي عَلَى فُقَرَائِي لَتُنْفَقَ فِي
السَّمَاءِ مِنْ كُنُوزِ عِزِّي لَا تَفْنِي وَ خَزَائِنِ مَجْدِي لَا تَبْلِي وَلَكِنْ وَعَمْرِي أَنْفِقْ الرُّوحَ أَجْمَلَ
لَوْ تُشَاهِدُ بَعِيْنِي" (۲)

جمال قدم در کلمات مکنونه فارسی می‌فرمایند: "ای پسران تراب اغنیا را از ناله
سحرگاهی فقرا اخبار کنید که مبادا از غفلت بهلاکت افتند و از سدره دولت بی‌نصیب
مانند. الْكَرْمُ وَالْجُودُ مِنْ خِصَالِي فَهَنْئًا لِمَنْ تَزَيْنَ بِخِصَالِي" (۳)

و نیز در همان اثر جلیل نازل: "ای پسر کنیز من در فقر اضطراب نشاید و در غنا
اطمئنان نباید هر فقری را غنا در پی و هر غنا را فنا از عقب و لکن فقر از ماسوی‌الله
نعمتی است بزرگ حقیر بشمارید زیرا که در غایت آن غنای بالله رخ بگشاید و
در این مقام (انتم الفقراء) مستور و کلمه مبارکه (والله هو الغنی) چون صبح صادق از
افق قلب عاشق ظاهر و باهر و هویدا و آشکار شود و بر عرش غنا متمکن گردد و مقرر
یابد" (۴)

درست حفظ نمائید و براحث نفس خود تمام نپردازید"^(۱)

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه می‌فرمایند: "ای اهل ثروت و غنا اگر فقیری را مبتلا به مصیبتی مشاهده نمودید، از او دوری نکنید و فرار اختیار ننمائید، بلکه در جوارش جالس شوید و از مسائلی که از بحر قضاء و قدر بر او جاری شده استفسار کنید" (ترجمه) (نقل از عالم بهائی، جلد ۴، ص ۴۵۳)

حضرت عبدالبهاء در خطابه سال ۱۹۱۲ در مونترال کانادا می‌فرمایند: "در این صورت از جمیع ایتم مراقبت و جمیع مصارف و مخارج آنها تأمین خواهد شد. مخارج عجزای قریه تهیه خواهد گردید. مصارف ضروری فقرای قریه تأدیه خواهد شد. و سایر اعضاء جامعه که بدلائل متقنه عاجز و ناتوانند، مانند کوران، سالخوردهگان، و کران، از راحت و آسایش برخوردار خواهند شد. در قریه احدی باقی نخواهد ماند که محتاج و نیازمند باشد" (ترجمه) (نقل از نجم باختر، جلد سیزدهم، صفحه ۲۲۹)

مرکز میثاق در خطابه مورخ ۱۹ می ۱۹۱۲ که در کلیسای اخوت نیوجرسی ایراد شده است، می‌فرمایند: "ثروتمندان و همچنین فقراء از این شرایط جدید اقتصادی نصیب خواهند برد، زیرا به علت شرایط و محدودیت‌های معینه آنها قادر به افراط در جمع‌آوری ثروت نخواهند بود که از اداره آن عاجز بمانند، و در آن حال فقراء از

و در خطابه مبارک مورّخ اوّل جولای ۱۹۱۲ در نیویورک می‌فرمایند: "عندالله چه امری از این محبوبتر که انسان به حال فقراء تفکّر کند؟ چه که فقراء محبوب آب سماوی ما هستند. زمانی که حضرت مسیح بر وجه ارض ظاهر شد، نفوسی که به او ایمان آوردند و از او تبعیت کردند، نفوسی فقیر و ذلیل بودند. آنها نشان دادند که فقراء مقرب ساحت الهی هستند." (ترجمه) (نقل از صفحه ۲۱۶ کتاب ترویج صلح عمومی)

حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "باید اولوالغنی بفقراء ناظر باشند چه که شأن صابرين از فقراء عندالله عظیم بوده و عمری لایعادلّه شأن الا ماشاءالله طوبی لفقیر صبر و ستر و لغنی أنفق و اثر انشاءالله باید فقراء همّت نمایند و بکسب مشغول شوند و این امریست که بر هر نفسی در این ظهور اعظم فرض شده و از اعمال حسنه عندالله محسوب و هر نفسی عامل شود البتّه اعانت غیبیه شامل او خواهد شد اِنَّهُ يُعْزِي مَنْ يَشَاءُ بِفَضْلِهِ اِنَّهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ"^(۱)

حضرت ولی امرالله در توفیقی که در تاریخ ۱۱ مارچ ۱۹۴۲ از قبل حضرتشان به یکی از آحاد احباء نوشته شده است، می‌فرمایند: "راجع به سؤال شما در مورد اعطاء به فقراء، بهائیان، اگر دارای قدرت مالی و تمایل به احسان هستند، نباید آنقدر طریق تفریط را بیمایند که از اعانه به مساکین ابا نمایند. معهذاً، در این مورد همانند بسیاری از سایر موارد، باید رعایت اعتدال را بنمایند. اعظم لطف و عنایتی که می‌توانیم در حق فقراء و مساکین و افتادگان بنمائیم مساعدت به بنای مؤسّسات الهیه‌ای است که در این یوم توسط حضرت بهاءالله ابداع شده است. چه که این مؤسّسات و این نظم

نقش حکومت در امور اقتصادی

حضرت بهاء‌الله در لوح مبارک دنیا می‌فرمایند: "باید باطلاع ایشان مقرری معین گردد و حضرات در آن مقرّ جمع شوند و بحبل مشورت تمسک نمایند و آنچه را سبب و علّت امنیت و نعمت و ثروت و اطمینان عباد است معین فرمایند و اجرا دارند."^(۱)

جمال قدم در ورق هشتم از کلمات فردوسیة می‌فرمایند: "آنچه از حدودات در کتاب بر حسب ظاهر نازل نشده باید امنای بیت‌عدل مشورت نمایند. آنچه را پسندیدند مُجری دارند"^(۲)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک که در سال ۱۹۱۲ در مونترال کانادا ایراد شده است، می‌فرمایند: "جمع دول متفق شوند و یک مجلسی قرار دهند که اعضاء آن از پارلمانهای ملل و اعیان منتخب گردد و آنها در نهایت عقل و اقتدار قراری بدهند که نه مالیون ضرر زیادی بکنند و نه عملها محتاج باشند. در نهایت اعتدال قانونی بنهند، بعد اعلان کنند که عملها حقوقشان در تحت تأمینات محکم است و همچنین حقوق مالیون حفظ میشود و چون این قرار عمومی برضایت هر دو طرف مُجری گردد، اگر اعتصابی اتفاق افتد جمع دول عالم بالتّمام مقاومت کنند و الا کار

حضرت عبدالبهاء در بحث اعتصاب کتاب مفاوضات می‌فرمایند: "و مداخله قضا و حکومت در مشکلات حاصله بین اصحاب فبریق و عمله مداخله مشروعه است، مانند معامله عادی بین عمله و صاحبان کار جزئی نیست که خصوصیت و دخلی بعموم ندارد و حکومت را حق مداخله نیست. زیرا مسئله فبریق و عمله هر چند مسئله خصوصی بنظر آید ولی از مشکلات حاصله در مابین مضرت عمومی حاصل گردد. زیرا امور تجارت و صنعت و فلاحت بلکه اشغال عمومی ملت کل مرتبط بیکدیگر است. اگر در یکی فتوری حاصل شود مضرت بعموم رسد. لهذا مشکلات حاصله بین عمله و صاحبان فبریق سبب مضرت عمومی گردد و قضا و حکومت حق مداخله دارد."^(۱)

حضرت ولی امرالله در توفیق منیع تولد مدنیت جهانی می‌فرمایند: "یک نظام فدرال جهانی برقرار گردد که بر جمیع بلاد حکومت نماید و فرمانروای بلامنازع منابع بسیار عظیمش باشد و مرامهای عالیة شرق و غرب را در بر گیرد و طلسم جنگ و بدبختی را بشکند و با استفاده از جمیع منابع موجود در زمین راغب باشد. در چنان نظامی زور خادم عدل و داد شود و بقایش متکی باشد بر شناسائی خداوند یگانه و پیروی از یک دین عمومی. این است هدف و مقصدی که نوع انسان ناگزیر بر اثر نیروهای وحدت‌بخش حیات بسویش روان است."^(۲)

لازم و واجب است. در چنان جامعه‌ای یک هیئت مجریه به پشتیبانی یک نیروی پلیس بین‌المللی مصوبات هیئت مقننه را اجراء کند، به تنفیذ قوانینش پردازد و وحدت اصلیه تمام جامعه جهانی را حفاظت نماید. و نیز یک محکمه جهانی تشکیل شود که تمام دعاوی حاصله بین عناصر مرکبه این نظام جهانی را داوری کند و حکم نهائی و لازم‌الاجرائیش را صادر نماید. یک دستگاه ارتباطات و مخابرات بین‌المللی بوجود آید که با سرعتی حیرت‌انگیز و نظم و ترتیبی کامل به کار افتد و جمیع کره زمین را در بر گیرد و از جمیع موانع و قیود ملی آزاد باشد. یک پایتخت بین‌المللی بمنزله کانون و مرکز اعصاب مدنیت جهانی تعیین شود که کانونی برای تمرکز و توجه قوای وحدت‌بخش حیات باشد و از آن انوار نیروبخش و جان‌افزایش بجمیع جهات ساطع گردد.^(۱)

وکلاي صنوف دستمزذبگیران

حضرت ولی امرالله در توفیق مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۲۷ خطاب به محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایالات متحده و کانادا می‌فرمایند: "در عالم صنعت، وکلای اصناف رنجبران دستمزذبگیر، چه با خشونت و چه با تشویق، به اشغال کرسی‌های قدرت پرداخته و قوه مجبره را مورد استفاده قرار می‌دهند... در قلب نفس جامعه، که علائم شوم اسراف و تبذیر دائم‌التزاید انگیزه و حرکتی جدید به قوای انقلاب و عصیان می‌دهد که یوماً فیوماً به نحوی بارز در حال تزاید می‌باشد. در این وقایع و بسیاری از وقایع آخری ما موجبات احساس خطر را از طرفی و علل امید و حمد و سپاس را از طرف دیگر مشاهده می‌کنیم" (ترجمه)

نرخ بهره

حضرت بهاء‌الله در لوح مبارک اشراقات می‌فرمایند: "... اکثری از ناس محتاج باین فقره مشاهده میشوند چه اگر ربحی در میان نباشد امور معطل و معوق خواهد ماند. نفسی که موفق شود با هم‌جنس خود و یا هموطن خود و یا برادر خود مدارا نماید و یا مراعات کند یعنی بدادن قرض‌الحسن، کمیاب است لذا فضلاً علی‌العباد ربا را مثل معاملات دیگر که مابین ناس متداولست قرار فرمودیم. یعنی ربح نقود... حلال و طیب و طاهر است... ولکن باید این امر باعتدال و انصاف واقع شود. قلم اعلی در تحدید آن توقّف نموده حکمة من عنده و وَسَعَةً لِعِبَادِهِ و نوصی اولیاء‌الله بالعدل و الانصاف و ما یظهرُ بِهِ رَحْمَةً احْبَابِهِ و شفقتهم بینهم... ولکن اجرای این امور برجال بیت عدل محوّل شده تا بمقتضیات وقت و حکمت عمل نمایند..."^(۱)

بازنشستگی

حضرت ولی امرالله در یکی از توقیعات مبارکه که در مورد وجوب اشتغال به کار است می‌فرمایند: "و اما راجع بحادث نصاب سنّی که موجب معافیت شخص از کار می‌گردد این امری است که راجع بآن بیت عدل اعظم باید قانونی وضع نماید زیرا دستوری در این خصوص در کتاب مستطاب اقدس نازل نگردیده"^(۱)

حضرت ولی امرالله در توقیع ۲۳ آگست ۱۹۵۴ که از طرف هیکل اطهر خطاب به یکی از آحاد احباء صادر شده است، می‌فرمایند: "اگرچه ۷۹ سنه از عمر شما می‌گذرد، به نظر نمی‌رسد شما دارای محذوریت باشید. در این امر مبارک، بفرموده حضرت ولی امرالله برای هر نفسی در هر سنّی که باشد نوعی شغل وجود دارد" (ترجمه) (نقل از پیام مورّخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۰ بیت‌العدل اعظم، مندرج در انوار هدایت)

مسئله اعتصاب

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "از مسئله اعتصاب سؤال نمودید. در این مسئله مشکلات عظیمه حاصل شده و میشود و مورث این مشکلات دو چیز است: یکی شدت طمع و حرص اصحاب معامل و کارخانه‌ها و دیگری غلو و طمع و سرکشی عمله و فعله‌ها. پس باید چاره هر دو را کرد.

اما سبب اصلی این مشکلات قوانین طبیعی مدنیت حاضره است؛ زیرا نتیجه این قوانین این که نفوسی معدود بیش از لزوم ثروت بی‌پایان یابند و اکثری برهنه و عریان و بی‌سر و سامان مانند و این مخالف عدالت و مروّت و انصاف و عین اعتساف و مباین رضای حضرت رحمن.

و این تفاوت مختصّ بنوع بشر است. اما در سائر کائنات یعنی جمیع حیوان تقریباً یک نوع عدالت و مساوات موجود. مثلاً در بین گله اغنام و دسته آهو در بیابان مساواتست و همچنین در بین مرغان چمن در دشت و کوهسار و بوستان، هر نوعی از انواع حیوان تقریباً یک قسم مساواتی حاصل، چندان در معیشت تفاوت از یکدیگر ندارند، لهذا در نهایت راحتند و بسعادت زندگانی نمایند.

بخلاف، بنی‌نوع انسان که نهایت اعتساف و عدم انصاف در میان. ملاحظه میکنی که فردی از افراد انسان گنجی اندوخته و اقلیمی را مستعمره خویش نموده،

نامحدود و از فوائد و منافع و راحت و آسایش محروم.

پس باید نظام و قانونی ترتیب داد که معدّل ثروت مفرط نفوس معدود گردد و باعث سدّ احتیاج هزار میلیون از فقراء جمهور شود تا اندکی اعتدال حاصل شود. ولی مساوات تامّ نیز ممکن نه چه که مساوات تامّ در ثروت و عزّت و تجارت و فلاح و صناعت سبب اختلال و پریشان و اغتشاش معیشت و ناکامی عمومی شود و بکلی انتظام امور جمهور بر هم خورد. زیرا در مساوات غیرمشروع نیز محذور واقع. پس بهتر آنست که اعتدال بمیان آید و اعتدال اینست که قوانین و نظاماتی وضع شود که مانع ثروت مفرط بی لزوم بعضی نفوس شود و دافع احتیاج ضروریّه جمهور گردد. مثلاً اصحاب فبریک صاحب کارخانه‌ها هر روز کنزی بدست آرند ولی بیچارگان عمله بقدر کفایت معیشت یومیه اجرت نگیرند. این نهایت اعتساف است البتّه انسان منصف قبول ننماید. پس یا باید نظامات و قوانینی گذاشت که گروه عمله اجرت یومیه از صاحب فبریک بگیرند و شرکتی در ربح و یا خمس منافع باقتضای وسع فبریک داشته باشند و یا در منافع و فوائد، گروه عمله با صاحب فبریک بنوع معتدلی مشترک گردند، یعنی رأس‌المال و اداره از صاحب فبریک و شغل و عمل از گروه فعله. و یا آنکه عمله بقدر معیشت معتدله اجرت یومیه گیرند و چون سقط یا عاجز یا ناتوان گردند بقدر کفایت حقّ استفاده از واردات فبریکه داشته باشند و یا اجرت باندازه‌ئی باشد که عمله بصرف مقداری از اجرت قناعت نمایند و اندکی از برای روز عجز و ناتوانی اندوخته کنند.

پس معلوم و مسلم گردید که اختصاص ثروت مفرطه بنفوس معدوده با احتیاج جمهور ظلم و اعتساف است و همچنین مساوات تام نیز مغلّ زندگانی و راحت و انتظام و آسایش نوع انسانی. پس در این صورت اعتدال از همه بهتر و آن اینست که اهل ثروت باید در اکتساب منافع اعتدال را ملاحظه نمایند و مراعات فقرا و اهل احتیاج را منظور دارند و آن اینست که عمله و فعله را اجرتی یومی معلوم و مقرر گردد و از منافع عمومی فبریق نیز نصیب و بهره یابند.

مختصر اینست که در حقوق مشترکه مابین صاحبان فبریق و عموم عمله و فعله باید قانونی گذاشته شود که سبب منافع معتدله صاحب فبریک گردد و اسباب معیشت لازمه فعله و تأمین استقبال ایشان شود که اگر عمله عاجز و سقط و یا خود پیر و ناتوان گردند و یا فوت نمودند و اطفال صغیر گذاشتند از شدت فقر مضمحل نگردند بلکه اندک حق معیشت از واردات نفس فبریق داشته باشند.

و همچنین باید عمله غلّ و تمرّد نمایند و بیش از استحقاق نطلبند و اعتصاب نمایند و اطاعت و انقیاد کنند و اجرت فاحش نخواهند، بلکه حقوق معتدله مشترکه طرفین بقانون عدل و حقانیت رسماً محقق و مسلم شود و هر طرف تجاوز نمایند بعدالمحاكمه محکوم گردند و قوه نافذه جزای قطعی مجری دارند تا امور انتظام یابد و مشکلات برطرف گردد و مداخله قضا و حکومت در مشکلات حاصله بین اصحاب فبریق و عمله مداخله مشروعه است. مانند معامله عادی بین عمله و صاحبان کار جزئی نیست که خصوصیت و دخلی بعموم ندارد و حکومت را حق

و قضا و حکومت حقّ مداخله دارد و چون اختلاف مابین دو نفس در حقوق جزئی واقع شود ثالثی باید که دعوا را فصل نماید و آن حکومتست. پس مسئله اعتصاب که سبب اختلال مملکت و گاهی منبعث از شدت اعتساف عمله و یا کثرت طمع صاحبان فبریق است چگونه میشود که مهمل ماند.

سبحان الله، انسان چون نفوسی را از بنی نوع خویش گرسنه و برهنه و بی سر و سامان بیند چگونه در قصر عالی خود راحت و آسایش کند و کسانی را در نهایت احتیاج بیند با وجود این چگونه از ثروت خود ممنون و خوشنود گردد. اینست که شرائع الهیه مقنن و مقرّر که اهل ثروت محض اعاشه فقرا و دستگیری ضعفا هر سالی مبلغی از مال خویش را باید انفاق نمایند و این از اساس شریعت الهیه است و بر جمیع فرض عین است و چون در این خصوص بحسب ظاهر انسان از طرف حکومت مجبور نیست و محکوم نه بلکه بصرافت طبع و طیب خاطر در نهایت روح و ریحان انفاق بر فقرا مینماید بسیار محبوب و مرغوب و شیرین است و مقصود از اعمال مبرور که در کتب و الواح الهی مذکور اینست...^(۱)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک مورخ ۲۳ جولای ۱۹۱۲ در هتل ویکتوریا ماساچوست می فرمایند: "الیوم نحوه مطالبه عبارت از اعتصاب و استفاده از قوه جبریه است که بدیهی است اشتباه و مخرب بنیان بشری است. امتیازات مستحقّه و

مسئله اشتراکیون

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک در مونترال کانادا در سال ۱۹۱۲ می فرمایند: "این

مسئله اشتراکیون بسیار مهم است و باعتصاب مزدوران حل نخواهد شد."^(۱)

علم و فن

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک مورخ ۸ جون ۱۹۱۲ در نیویورک می‌فرمایند: "علم نمی‌تواند موجب اتحاد و اتفاق در قلوب انسانی گردد" (ترجمه) (نقل از صفحه ۲۳۲ جلد ۱۳ نجم باختر)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک مورخ ۲۳ آپریل ۱۹۱۲ در کلیسای متدیست واشنگتون دی سی می‌فرمایند: "توسعه و پیشرفت یک ملت مطابق با میزان و درجه ترقیات علمی آن ملت است. به این واسطه عظمتش مستمراً تزايد یابد و يوماً فیوماً راحت و سعادت امتش تضمین می‌گردد" (ترجمه)

و نیز در همان خطابه فوق می‌فرمایند: "انسان عالم و دانشمند مظهر و مثال واقعی انسانیت است، چه که بواسطه جریان تحقیقات و استدلالات استقرائی به جمیع آنچه که به عالم انسانی مربوط می‌شود، اعم از مقام و موقعیت، شرایط و وقایع، واقف می‌گردد. او هیئت اجتماع انسانی را مطالعه می‌کند، مسائل اجتماعی را ادراک می‌نماید و تار و پود مدنیت را می‌سازد. فی الحقیقه، می‌توان علم را به مرآتیی تشبیه کرد که اشکال و تصاویر لانهایی از اشیاء موجود در آن متجلی و منعکس

مخزن عمومی و مالیات

مخزن عمومی (قریه)

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "راه حلّ از قریه شروع می‌شود و وقتی که نظام قریه تجدید شد، بعد بلاد نیز تجدید خواهند شد. و طریق کار این است که در هر قریه یک مخزن عمومی ایجاد گردد. در لسان دیانت به آن بیت‌المال اطلاق می‌گردد. این یک مخزن عمومی است که از قریه شروع می‌شود. اداره آن توسط انجمنی از عقلائی جامعه صورت می‌گیرد و با تصویب این انجمن جمیع امور هدایت می‌شود." (ترجمه) (نقل از صفحه ۴۵۰ جلد چهارم عالم بهائی)

حضرت عبدالبهاء در لوح مبارک خطابه به مسس پارسنز می‌فرمایند: "باری در هر قریه‌ئی باید که از عقلاء آن قریه انجمنی تشکیل شود که قریه در زیر اداره آن انجمن باشد و همچنین یک مخزن عمومی تأسیس شود و کاتبی تعیین گردد و در وقت خرمن بمعرفت آن انجمن از حاصلات عموم مقداری معین بجهت آن مخزن گرفت شود." (۱)

و نیز در یکی از الواح مبارک به تاریخ ۲۵ جولای ۱۹۱۹ خطاب به یکی از احبّاء

مسائل مربوط به قریه و واردات مخزن عمومی مانند عشریه، رسوم حیوانات و سایر واردات آن خواهند بود و صرف مصارف ضروریه خواهند کرد." (ترجمه)

مخزن عمومی (مدینه)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مورخ سال ۱۹۱۲ در مونترال کانادا می‌فرمایند: "طبیعی است که در بلاد عظیمه نظامی در مقیاسی بزرگتر وجود خواهد داشت. اگر به تفصیلات آن مشغول شوم بسیار طولانی خواهد شد." (ترجمه) نقل از صفحه ۲۲۹ جلد ۱۳ نجم باختر)

بیت العدل اعظم

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "آنچه زیاده ماند (بعد از وضع مصارف)، باید به بیت العدل اعظم تسلیم شود. به این طریق محتاجی در قریه باقی نخواهد ماند. نفوس گرسنه و برهنه نمانند. جمیع در نهایت راحت و آسایش خواهند بود" (ترجمه) نقل از صفحه ۴۵۱ جلد چهارم عالم بهائی)

مخزن عمومی (واردات)

حضرت عبدالبهاء در لوح مبارک خطاب به مسس پارسنز می‌فرمایند: "این مخزن هفت واردات دارد: واردات عشریه - رسوم حیوانات - مال بی وارث - لقطه یعنی چیزی

مخزن عمومی، بیت عدل باید به هر وسیله ممکن منشبت شود تا این واردات ازدیاد یابد. مقصود هر وسیله عادلانه است" (ترجمه)

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: "اول، هر مشارکتی که ضروری باشد از بانک با ادای ربح کسب می‌کنند. فی‌المثل، از بانک با ربح سه درصد استقراض می‌کنند و با ربح چهار در صد به نفوس قرض می‌دهند. هر زارعی که به وسائل احتیاج داشته باشد، جمیع مایحتاج او را تهیه و به او می‌دهند. وقتی که محصول برداشت شود، اولین واردات مخزن خواهد بود. اولین وارده این است. لکن این واردات به طور مساوی توزیع نمی‌شود. فی‌المثل، شخصی ممکن است حاصلاتش هزار کیلو باشد و این فقط برای مصارفش کفاف می‌دهد. از او چیزی گرفته نمیشود چون به کل آن احتیاج دارد. اگر از او چیزی گرفته شود گرسنه ماند.

یکی دیگر که هزار کیلو احتیاج دارد و حاصلاتش دوهزار کیلو است، از او یک عشر گرفته می‌شود. یکی دیگر دوهزار کیلو احتیاج دارد، لکن حاصلاتش ده هزار کیلوست. از او دو عشر گرفته می‌شود. او دو هزار کیلو احتیاج دارد. اگر دو هزار کیلو از او گرفته شود، هنوز شش هزار کیلو باقی دارد.

یکی پنجاه هزار کیلو حاصل دارد، از او یک ثلث گرفته می‌شود. یکی ممکن است ده هزار کیلو مصارف داشته باشد ولی صد هزار کیلو حاصلات داشته باشد. از او نصف گرفت می‌شود. هر چه حاصلات زیادتر باشد، میزان مالیات بیشتر است.

می‌گردد.

چهارمین واردات از معادن حاصل می‌شود. اگر معدنی در اراضی شخصی یافت شود، ثلث آن به او و باقی به مخزن عمومی تعلق دارد. واردات پنجم از دفینه است. اگر شخصی دفینه‌ای را در زمینی پیدا کند، نصف آن را برمی‌دارد و نصف دیگر آن به مخزن عمومی می‌رسد.

ششمین واردات. اگر شیئی در راهی پیدا شود، نصف آن به مخزن عمومی تعلق دارد.

هفتمین واردات عبارت از تبرّعات به مخزن عمومی است. نفوس به اختیار خود و در نهایت طوع و رغبت ادا خواهند کرد." (ترجمه) (نقل از صفحه ۴۵۰ عالم بهائی جلد ۴)

مخزن عمومی (مصارف)

حضرت عبدالبهاء در لوح مبارک خطاب به مسس پارسنز می‌فرمایند: "خلاصه هفت مصرف دارد: اول مصارف معتدله عمومی مانند مصارف مخزن و اداره صحّت عمومی - ثانی ادای عشر حکومت - ثالث ادای رسوم حیوانات به حکومت - رابع اداره ایتام - خامس اداره اعاشه عجزه - سادس اداره مکتب - سابع اکمال معیشت ضروریّه فقرا"^(۱)

تربیت اجرا گردد، و امور صحیحی تعمیم یابد. اینها اصول اولیه است. بیت‌العدل طبق مقتضیات زمان و مکان امور را ترتیب و تعمیم دهد." (ترجمه)

حضرت عبدالبهاء میفرمایند: "این هفت واردات است، لکن هفت مصرف معین نیز دارد. اول مصرف آن است که باید عشر حکومت برای مصارف عمومی به صندوق عمومی داده شود. ثانی مصرف فقراء است. فقرائی که محتاجند، نفوسی که از کار کردن معافند، نه نفوسی که مهمل و معطلند. فی‌المثل، اگر حاصلات نفسی طعمه حریق شود یا در تجارت متضرر گردد، و باین علت محتاج شود، باید از این نفوس فقیر مراقبت کرد.

ثالث، اعاشه عجزه، که محتاجند و عاجز از کار. رابع، ایتام. به آنها نیز باید مساعدت کرد. خامس، مدارس. مدارس باید برای تعلیم و تربیت اطفال ترتیب یابد. سادس، کران و کوران و سابع، صحت عموم. هر آنچه که برای صحت عامه لازم باشد باید ترتیب یابد. باطلاقها پر شوند، آب تأمین گردد. هر چه برای صحت عمومی ضروری باشد، باید تأمین گردد." (ترجمه) (نقل از صفحه ۴۵۱ جلد چهارم عالم بهائی)

صندوق ملی

حضرت عبدالبهاء در خطابه ۱۹۱۲ در مونترال کانادا می‌فرمایند: "اگر بعد از این

باید نقل بصندوق عمومی ملت بجهت مصارف عمومی کرد"^(۱)

انجمن امناء

حضرت عبدالبهاء در خطابه ۱۹۱۲ مونترال کانادا می‌فرمایند: "جمعی معین از امناء توسط اهالی قریه انتخاب میشوند تا این معاملات را اجرا نمایند" (ترجمه) (نقل از صفحه ۲۳۱ جلد سیزدهم نجم باختر)

احتکار

حضرت عبدالبهاء در خطابه ۱۹۱۲ مونترال کانادا می‌فرمایند: "در آینده احتکار باقی نماند مسئله احتکار بکلی بهم می‌خورد"^(۲)

مالیات

جمال مبارک در لوح ملکه ویکتوریا می‌فرمایند: "إِنَّا نَرَاكُمْ فِي كُلِّ سَنَةٍ تَزِدَادُونَ مَصَارِفَكُمْ وَ تَحْمَلُوها عَلَى الرَّعِيَةِ إِنَّ هَذَا إِلَّا ظُلْمٌ عَظِيمٌ اتَّقُوا زَفَرَاتِ الْمَظْلُومِ وَ عَبْرَاتِهِ وَ لَا تَحْمَلُوا عَلَى الرَّعِيَةِ فَوْقَ طَاقَتِهِمْ"^(۳)

حضرت عبدالبهاء در خطابه ۱۹۱۲ مونترال کانادا می‌فرمایند: "فی‌المثل ملاحظه می‌کنیم که عایدات سنوی او و نیز مصارف وی چه میزان است. بعد، اگر عایدات او

زارع دیگر ممکن است مصارفش فرضاً به هزار دلار و عایداتش به دو هزار دلار بالغ گردد. از چنین شخصی یک عشر مطالبه می‌شود، چه که او مازاد دارد. لکن اگر عایدات او ده هزار دلار باشد و مصارفش هزار دلار، یا عایداتش بیست هزار دلار او باید یک ربع مالیات تأدیه کند. اگر عایداتش صد هزار دلار و مصارفش پنج هزار دلار باشد، باید ثلث بپردازد، چه که باز هم مازاد دارد، چه که مصارفش پنجهزار و عایدی‌اش صد هزار. اگر او فرضاً سی و پنج هزار دلار علاوه بر مصارف پنج هزار دولاری‌اش بپردازد، باز شصت هزار برای او باقی میماند. لکن اگر مصارفش ده هزار و عایدی‌اش دویست هزار باشد، باید حتی نصف ادا کند، زیرا در این حالت تنمّه موجودی او نود هزار خواهد بود. با این میزان نسبت مالیاتها تعیین خواهد شد. جمیع عایدات حاصله از این وجوه به مخزن عمومی وارد خواهد شد." (ترجمه) (نقل از صفحه ۲۲۹-۲۲۸ جلد سیزدهم نجم باختر)

و نیز در خطابه مورّخ اوّل جولای ۱۹۱۲ در نیویورک می‌فرمایند: "هر نفسی در جامعه که احتیاجات او معادل ظرفیت تولید فردی او باشد از ادای مالیات معاف خواهد بود. لکن اگر عایدی او زیاده از احتیاج او باشد باید بپردازد. ظرفیت تولید و احتیاجات شخص از طریق مالیات، برابر و تعدیل خواهد شد. اگر تولید او تجاوز نماید مالیات خواهد پرداخت. اگر احتیاجات ضروری‌اش از تولید او متجاوز باشد، مبلغی وصول می‌کند تا با احتیاجاتش مساوی گردد یا تعدیل شود. لهذا، اخذ مالیات متناسب با ظرفیت و تولید خواهد بود و دیگر فقیر و محتاج در جامعه وجود

تعرفه‌ها و سایر موانع اقتصادی

حضرت ولی امرالله در توقیع منیع هدف نظم بدیع جهانی می‌فرمایند: "وطن‌پرستی کوتاه‌نظرانه و ظالمانه مبتنی بر مطالبه خودمختاری که مولود جنگ جهانی بود و سبب شد تعرفه‌های گمرکی سنگین وضع گردد و بجریان سالم تجارت بین‌المللی و دستگاه مالی عالم لطمه‌ای شدید وارد آورد بر کسی پوشیده نیست و فقط معدودی قلیل ممکن است آن را نپذیرند"^(۱)

و نیز در همان توقیع منیع می‌فرمایند: "در چنین جامعه جهانی جمیع موانع اقتصادی بکلی از میان خواهد رفت، سرمایه و کار عواملی لازم و ملزوم یکدیگر بشمار خواهد آمد"^(۲)

اتحادیه‌های تجاری

حضرت ولی امرالله در توفیق ۲ فوریه ۱۹۵۱ که کاتب هیکل اطهر از قبل آن حضرت مرقوم داشته است، می‌فرمایند: "در خصوص سؤال شما دربارهٔ اتحادیه‌های تجاری، حضرت ولی امرالله معتقدند که این موضوعی است که هر محفل روحانی ملّی باید آحاد مؤمنین را در خصوص آن هدایت نماید. مادام که اتحادیه‌های تجاری در حزبی از احزاب سیاسی عضویت نداشته باشند، به نظر نمی‌رسد مانعی در ارتباط بهائیان با آنها وجود داشته باشد" (ترجمه) (نقل از انوار هدایت)

زکات

در توضیح زکات در ملحقات کتاب مستطاب اقدس آمده است: "زکات که در قرآن مجید بر مسلمین واجب گردیده نوعی خاص از خیرات و مبرّات است که به مرور زمان به صورت یک نوع مالیت خیریه در آمد و مؤمنین را مکلف ساخت که جهت کمک به فقراء و امور خیریه و نصرت دین الله مقدار معینی از بعضی از عایدات خود را پس از رسیدن به حدّ نصاب ادا نمایند. حدّ معافیت از پرداخت مالیات در مورد امتعه متنوّعه و نیز نصاب معینی که باید پرداخت شود، تفاوت دارد. نظر به اینکه حدّ معافیت و نوع عایدات و موعد اداء زکات و حدّ نصاب در موارد مختلفه هیچ یک در قرآن مجید ذکر نشده است، لهذا اتخاذ تصمیم در این مسائل منوط به قرار بیت العدل اعظم در آینده است و تا آن زمان به فرموده حضرت ولی امرالله باید احباء در خور توانائی و مقدورات خویش مرتّباً به صندوقهای امری تبرّع نمایند."^(۱)

بیکاری

حضرت ولی امرالله در توقیع منیع هدف نظم بدیع جهانی می‌فرمایند: "بر هیچ ناظر منصفی پوشیده نیست که مقروض بودن کشورها سبب شد که فشاری سخت بر مردم اروپا وارد آید و موازنه بودجه‌های ملی را بر هم زند و صنایع ملی را فلج سازد و بر عدّه بیکاران بیفزاید."^(۱)

استفاده از مهارت فنی

حضرت عبدالبهاء در رسالهٔ مدنیّه (ص ۳۷) می‌فرمایند: "در بعضی روایات مذکور که برخی اخلاق حسنه و شیم مرضیه را از وحوش اقتباس کنید و عبرت گیرید. پس چون تعلّم اخلاق حسنه از حیوان صامت جائز، بوجه اولی از ملل اجنبیه که اقلّاً از نوع انسان و بنفس ناطقه و قوهٔ ممیزه ممتاز اکتساب و اقتباس فنون جسمانیه جائز. و اگر ملاحظه شود که در حیوانات این صفات ممدوحه خَلْقِیست، این اصول و اساس مدنیّت و علوم و حکمت طبیعیّه در ممالک سائره بچه برهان می‌توان گفت که غیر خلقی است"

و نیز در همان سفر مبین (ص ۳۸) می‌فرمایند: "پس باین دلائل واضحه و براهین متقنه ظاهر و مبرهن گشت که اکتساب اصول و قوانین مدنیّه و اقتباس معارف و صنائع عمومیّه، مختصراً ما ینتفع به الْعُموم از ممالک سائره جائز."

و همچنین در همان اثر جلیل (ص ۱۱۹) نازل: "آیا می‌توان گفت این امور موافق عدل و انصاف و مطابق احکام شریعت‌الله است و یا خود تشویق و تحریص بر تعلّم فنون مفیده و اکتساب معارف عمومیّه و اطلاع بر حقائق حکمت طبیعیّه نافع و

معادن متروکه که اعظم وسائط ثروت دولت و ملت است و ایجاد معامل و کارخانها که منبع آسایش و راحت و باعث غنا و توانگری عموم ملت است و تحریض و تحریص ایجاد صنایع جدید و تشویق ترقی امتعه وطنیه مغایر اوامر و نواهی ربّ البریه است.

و نیز در همین اثر منیع (ص ۱۳۴) نازل: "و همچنین قیاس نمائید سائر فنون و معارف و صنایع و قضیات مشبوت الفوائد عالم سیاسی را که در قرونهای عدیده مکرراً تجربه شده و بجهت عزت و عظمت دولت و آسایش و ترقی ملت منافع و فوائد و محسنات کلیه اش ثابت و مبرهن گشته. حال آن را بدون سبب و داعی ترک نموده بنوع دیگر در صدد اصلاحات کوشیده شود تا آن اصلاحات از حیث قوه بوجود آید و فوائد و منافعش ثابت و مبرهن گردد، سالها بگذرد و عمرها بسر آید."

ثروت و غنا

حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیه (ص ۳۱) می‌فرمایند: "غنا منتهای ممدوحیت را داشته اگر بسعی و کوشش نفس خود انسان در تجارت و زراعت و صناعت بفضل الهی حاصل گردد و در امور خیریه مصرف شود و علی‌الخصوص اگر شخصی عاقل و مدبّر تشبّث بوسائلی نماید که جمهور اهالی بثروت و غنای کلی برساند همّتی اعظم از این نه و عندالله اکبر ثوابت بوده و هست. چه که این همّت بلند سبب آسایش و راحت و سدّ احتیاجات جمع غفیری از عباد حقّ گردد. ثروت و غنا بسیار ممدوح اگر هیئت جمعیت ملّت غنی باشد و لکن اگر اشخاص معدوده غنای فاحش داشته و سائرین محتاج و مفتقر و از آن غنا اثر و ثمری حاصل نشود این غنا از برای آن غنی خسران مبین است. ولی اگر در ترویج معارف و تأسیس مکاتب ابتدائیه و مدارس و صنایع و تربیت ایتم و مساکین، خلاصه در منافع عمومیّه صرف نماید، آن شخص عندالحقّ و الخلق بزرگوارترین سُکّان زمین و از اهل اعلیٰ علیین محسوب."

توزیع ثروت

حضرت ولی امرالله در توقیع منیع هدف نظم بدیع جهانی می‌فرمایند: "هیچ شخص بیطرفی تردید ندارد که تعهدات مالی که در دوره جنگ جهانی بوجود آمد و نیز

تحدید ثروت

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک مورخ ۲۳ جولای ۱۹۱۲ در هتل ویکتوریا بوستون میفرماید: "قلوب باید به یکدیگر متصل گردد، محبت باید آنچنان مستولی گردد که اغنیاء با منتهای میل و رغبت به مساعدت فقرا قیام کرده در جهت تحقق این تعدیلات دائمی اقتصادی اقدام کنند. اگر این امر به این طریق حاصل شود بسیار ممدوح و مقبول است چه که در این صورت لله و در سبیل خدمت الهی خواهد بود" (ترجمه) (نقل از مجله نظم جهانی جلد ۱۱، شماره ۱۲ مارچ ۱۹۴۶)

حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابات مبارک میفرماید: "جائز نیست که بعضی در نهایت غنا باشند و بعضی در نهایت فقر. باید اصلاح کرد و چنان قانونی گذارد که از برای کل وسعت و رفاهیت باشد نه یکی بفقیر مبتلا و نه یکی نهایت غنا را داشته باشد... و همچنین قوانین مملکت باید نوعی باشد که بموجب شریعت الله هرگونه آسایش داشته باشد."^(۱)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک مورخ ۷ می ۱۹۱۲ در هتل شنلی پنسیلوانیا میفرماید: "اغنیاء نیز باید نسبت به فقراء رحیم و کریم باشند، و بدون اجبار و در نهایت اختیار و میل و رغبت در رفع نیازهای آنها قدم بردارند." (ترجمه) (نقل از ترویج صلح عمومی، ص ۱۰۷)

محنت باقی مانند. یکی از تعالیم حضرت بهاء‌الله تعدیل معیشت در جامعه بشریت است. با این تعدیل دیگر نهایت غنا و فقر و مشقت در جامعه بشری وجود نخواهد داشت" (ترجمه) (نقل از صفحه ۲۱۶ ترویج صلح عمومی)

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: "نابرابری اجتماعی نتیجه حتمی نابرابری طبیعی انسان است. افراد بشر از لحاظ توانائی متفاوتند و لهذا باید از لحاظ مقام و موقعیت اجتماعی و اقتصادی نیز متفاوت باشند. در عین حال ثروت و فقر بیش از حد باید محو و زائل گردد." (ترجمه) (نقل از هدایات حضرت ولی امرالله، ص ۲۰)

واحد پول بین‌المللی

حضرت ولی امرالله در توقیع منیع تولد مدنیت جهانی می‌فرمایند: "... یک نظام مشترک برای پول و اوزان و مقادیر تعیین شود و روابط و تفاهم بین نژادهای متنوع و ملل جهان را ساده و سهل نماید."^(۱)

کارگران و صنعت

کارخانه - رنجبران و کارگران

حضرت عبدالبهاء در خطابه ۱۹۱۲ مونترال کانادا می‌فرمایند: "باید قوانین گذارد زیرا کارگران ممکن نیست باوضاع حالیه راضی شوند هر سال هر ماه اعتصاب کنند و آخر الامر ضرر مالیون است"^(۱)

حضرت عبدالبهاء در مبحث اعتصاب کتاب مفاوضات می‌فرمایند: "... یعنی رأس المال و اداره از صاحب فبریک و شغل و عمل از گروه فعله ... و همچنین باید عمله غلو و تمرد نمایند و بیش از استحقاق نطلبند و اعتصاب نمایند و اطاعت و انقیاد کنند و اجرت فاحش نخواهند بلکه حقوق معتدله مشترکه طرفین بقانون عدل و حقانیت رسماً محقق و مسلم شود."^(۲)

کارخانه - سود و سهام

حضرت عبدالبهاء در مبحث فوق می‌فرمایند: "پس یا باید نظامات و قوانینی گذاشت که گروه عمله اجرت یومیه از صاحب فبریک بگیرند و شرکتی در ربع و یا خمس منافع باقتضای وسع فبریک داشته باشند و یا در منافع و فوائد، گروه عمله با صاحب

حضرت عبدالبهاء در خطابه ۱۹۱۲ مونترال کانادا می‌فرمایند: "همچنین هر فابریقه که ده هزار سهم دارد از این ده هزار سهم از منافع دو هزار سهم را با سهم کارگران نمایند که مال آنها باشد و باقی مال مالیهون. بعد آخر ماه یا سال هرچه منفعت میشود بعد از مصارفات و مزد بر حسب عدد أسهام در میان هر دو طرف تقسیم کنند."^(۱)

حضرت عبدالبهاء در مبحث اعتصاب کتاب مفاوضات می‌فرمایند: "... اجرت باندازهئی باشد که عمله بصرف مقداری از اجرت قناعت نمایند و اندکی از برای روز عجز و ناتوانی اندوخته کنند."^(۲)

حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابات مبارکه می‌فرمایند: "حالا شریعت‌الله را بشما بگوئیم. بموجب شریعت‌الله مزد باین‌ها داده نمیشود. بل فی الحقیقه شریک در هر عملی میشوند."^(۳)

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: "حضرت مولی‌الوری بالصّراحه فرموده‌اند که، صرفاً به این دلیل که انسانها از نظر توانائی برابر نیستند، دستمزدها باید نابرابر باشد، و بدین لحاظ باید دستمزدی دریافت دارند که با استعدادها و قوای آنها انطباق داشته باشد."^(۴) (ترجمه)

صرفاً به این دلیل که انسانها از نظر توانائی برابر نیستند، دستمزدها باید نابرابر باشد، و بدین لحاظ باید دستمزدی دریافت دارند که با استعدادها و قوای آنها انطباق داشته باشد. این نظریه با اعتقاد بعضی از اقتصاديون امروزی مابین به نظر می‌رسد، اما احبّاء باید اعتماد کامل به کلام حضرت مولی‌الوری داشته باشند و بیانات ایشان را بر اظهارات نفوسی که اصطلاحاً متفکرین نوین خوانده می‌شوند، مرجّح و مقدّم دانند. (ترجمه) (نقل از انوار هدایت)

حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیّه می‌فرمایند: "صلح و آشتی (را) ... در ظاهر بهانه نموده لیلاً و نهاراً جمیعاً باعظم جدّ و جهد در تدارکات حربیه میکوشند و اهالی مسکین آنچه بعرق جبین پیدا کرده اکثرش را باید انفاق این راه کنند و چه قدر آلف از نفوس که صنائع نافع را ترک نموده شب و روز بکمال همّت در ایجاد آلت مضرّه جدیده که بیشتر از پیشتر سبب سفک دماء انباء جنس است، مشغولند و هر روز آلت حرافه جدیده احداث و ایجاد کنند و دول مجبور بر این گردند که آلات حربیه قدیم را ترک نموده در تدارک آلات جدیده کوشند، چه که آلات حربیه قدیم با آلات حربیه جدید مقاومت ننماید."^(۱)

و نیز در همین اثر جلیل می‌فرمایند: "ملاحظه فرمائید که اگر چنین نعمتی میسر شود هیچ سلطنت و حکومتی محتاج تهیه و تدارکات مهمّات جنگ و حرب نباشد و

اصطناع آلات مضرّه ... صرف ننمایند." (۱)

جمال قدم در لوح مبارک دنیا می‌فرمایند: "باید وزرای بیت عدل صلح اکبر را اجرا نمایند تا عالم از مصاریف باهظه فارغ و آزاد شود. این فقره لازم و واجب چه که محاربه و مجادله اسّ زحمت و مشقّت است." (۲)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک ۱۷ نوامبر ۱۹۱۲ در نیویورک می‌فرمایند: "... پدرها، مادرها و اطفال در حزن و ماتم، خشونت‌های جنگ اساس حیات را واژگون، بلاد را خراب و اراضی حاصلخیز را بایر و لم‌یزرع نموده..." (ترجمه)

و در خطابه ۱۳ می ۱۹۱۲ می‌فرمایند: "در ایام قدیم اگر دو ملت وارد جنگ با یکدیگر میشد ده یا بیست هزار نفس قربانی میشد، لکن در این قرن انعدام صد هزار نفس در یوم واحد میسر و ممکن. علم قتال تکامل یافته و وسائط و آلات کامل شده که می‌تواند در مدّتی کوتاه تمامی یک ملت را محو و زائل سازد." (ترجمه)

حضرت ولی امرالله در توقیع منیع هدف نظم بدیع جهانی می‌فرمایند: "بار سنگین و یأس‌آوری که خیل روزافزون بیکاران بر دوش دول و ملل نهاده‌اند، مسابقه ناهنجار و عنان‌گسیخته تسلیحات که هر روز بیشتر از پیش دارائی ملل فقیر محنت‌زده را

حضرت ولی امرالله در توقیع منیع هدف نظم بدیع جهانی می‌فرمایند: "هیچکس نیست که هر قدر ساده و سطحی باشد اذعان ننماید که ... که مسابقه تسلیحاتی ازدیاد یافته، چنانکه مبلغی گزاف بیش از یک هزار میلیون لیره در یکسال گذشته (۱۹۳۰) فقط صرف تسلیحات شده که این خود رکود و کساد بازار اقتصاد را بار آورده است."^(۱)

حضرت ولی امرالله در توقیع منیع تولد مدنیت جهانی می‌فرمایند: "نیروهای عظیمی که در راه جنگهای اقتصادی و سیاسی به هدر میرود از آن پس معطوف با اهداف لایقی از قبیل توسعه اختراعات و ترقیات فنی و ازدیاد تولیدات و محصولات بشری و ازاله امراض و توسعه تحقیقات علمی و بالا بردن سطح صحت و تشحید و اعتلاء مغز و بهره‌مندی از منابع بکر و ناشناخته کره زمین و درازی عمر انسان گردد و به ترویج هر وسیله‌ای که حیات فکری و اخلاقی و روحانی نوع انسان را تقویت کند، بپردازد."^(۲)

رفاه و آسایش

حضرت عبدالبهاء در خطابه ۱۹۱۲ مونترال کانادا می‌فرمایند: "هر عضوی از هیئت اجتماعی باید در نهایت راحتی و آسایش باشد چه هر فردی از عالم انسانی عضوی از هیئت اجتماعی است و اگر عضوی از اعضاء در مشقت و مبتلا به امراض باشد، جمیع اعضاء دیگر بالضروره باید در محنت و رنج باشند." (ترجمه) (نقل از صفحه ۲۲۷ جلد سیزدهم نجم باختر)

و نیز در همان خطابه می‌فرمایند: "رضایت الهیه در آسایش جمیع اعضاء عالم انسانی است" (ترجمه) (نقل از صفحه ۲۲۹ جلد سیزدهم نجم باختر)

حضرت عبدالبهاء در خطابه ۹ جون ۱۹۱۲ در معبد باپتیست پنسیلوانیا می‌فرمایند: "حضرت بهاء‌الله تعالیم و اصول هدایت کننده برای تعدیل معیشت را بنیان نهاد. قواعدی توسط ایشان نازل شد که راحت و آسایش جامعه متّحد را تأمین و تضمین می‌فرماید" (ترجمه) (نقل از صفحه ۱۸۱ ترویج صلح عمومی)

حضرت عبدالبهاء در خطابه ۲۸ ماه می ۱۹۱۲ در معبد متروپولیتن نیویورک می‌فرمایند:

نظم و تعادل عالم

حضرت بهاء‌الله در کتاب مستطاب اقدس می‌فرمایند: "قد اضطرب النَّظْمُ مِنْ هَذَا النَّظْمِ الْأَعْظَمِ وَ اٰخْتَلَفَ التَّرْتِيبُ بِهَذَا الْبَدِيعِ الَّذِي مَاشَهَدَتْ عَيْنُ الْاِبْدَاعِ شَبِيهَهُ"^(۱)

حضرت بهاء‌الله در کتاب مستطاب اقدس می‌فرمایند: "قُلْ هٰذَا لَقَسَطَاۤسُ الْهُدٰى لِمَنْ فِى السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ الْبُرْهٰنِ الْاَعْظَمِ لَوْ اَنْتُمْ تَعْرِفُوْنَ"^(۲)

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "اقتصاد اساس کامرانی و رفاه بشری است. آدم و لخرج همیشه در زحمت است. اسراف و تبذیر از طرف هر کس گناه نابخشودنی است. ما هرگز نباید مانند گیاهان طفیلی زندگی کنیم. هر کس باید شغلی چه فکری و چه یدی داشته باشد و بپاکی و آزادگی، محترم و شرافتمندانه زندگی کند بطوریکه سرمشق دیگران گردد. هرگاه شخصی با یک گرده نان خشک قناعت کند و راضی باشد بدرجات بهتر از آنست که غذائی شاهانه و مفصل داشته ولی پول آن از جیب دیگران آمده باشد، زیرا فکر و روح شخص قانع همیشه آرام و قلبش مستریح است"^(۳)